

نبرد خلق

کارگران همه کشورها
متحد شوید

رژیم ایران به دلیل نقض حقوق
بشر و سرکوب کارگران و زنان، در
کنگره اتحادیه های کارگری
انگلستان محکوم شد. صفحه ۱۵

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

NABARD - E - KHALGH No 136 . 22 SEPT 1996

شماره ۱۳۶ دوره چهارم سال سیزدهم - اول مهر ۱۳۷۵

یادداشت سیاسی ماه

موضوع انتخابات ریاست جمهوری رژیم و موقعیت رفسنجانی، هم چنان یک مسئله داغ در کشمکش های باندهای تشکیل دهنده حکومت است. عبدالله نوری، سردسته طرفداران رفسنجانی در مجلس پنجم ارتجاع می گوید: "ما نباید دستان خود را بر اساس ملاحظات قانونی ببندیم". برای رژیمی که در عمل حتی به قانونی که خودش تصویب می کند، وفادار نیست، طبعاً هیچ "ملاحظه" قانونی در "انتخاب" مجدد رفسنجانی وجود ندارد و این را بهتر از هر کسی افرادی مثل عبدالله نوری و شرکاء می دانند. مخالفین انتخاب مجدد رفسنجانی نیز گرچه به "ملاحظات قانونی" اشاره کرده و معتقدند که "تحت هیچ بهانه بی نباید قانون را تغییر داد". (مرتضی نبوی - خبرگزاری فرانسه ۹/شهریور/۷۵). اما انگیزه های قویتری آنان را به این مخالفت واداشته است. علی اکبر ناطق نوری که از احتمال انتخاب او برای ریاست جمهوری به عنوان کاندیدای بازار و جامعه روحانیت مبارز صحبت بسیار می شود می گوید: "تغییر قانون اساسی این معنا را خواهد داشت که شخص و یا گروه دیگری توان اداره کشور را ندارد". (راديو فرانسه ۱۱/ شهریور ۷۵). معنی حرف ناطق نوری این است که وقتی "من" وجود دارم، چرا باید رفسنجانی برای بار سوم انتخاب شود. حقیقت این است که پیوند رفسنجانی با جمهوری اسلامی خمینی ساخته، عمیق تر از آن است که رژیم بتواند وی را از موقعیت شخص دوم نظام به موقعیت پایین تری انتقال دهد.

در طول حیات خمینی، رفسنجانی یکی از معدود افراد مورد اعتماد کامل خمینی بود. وقتی خمینی مجبور به اتخاذ تصمیم در مورد یک رویداد حیاتی بود، پای رفسنجانی را به میان می کشید. پس از مرگ خمینی، اظهارات رفسنجانی در مجلس خبرگان، کفه انتخاب خامنه ای را سنگین کرد. مانورهای رفسنجانی در زمینه سیاست بین المللی گرچه از زاویه منافع مردم ایران، بیان کننده رذالت و خیانت پیشگی رفسنجانی است، اما این مانورهای طی سالهای گذشته آن قدر ماهرانه انجام گرفته که بعید است شخص دیگری بتواند "منافع نظام" را این گونه تامین نماید. اما آنچه مخالفین رفسنجانی را وادار می کند که ریسک پایین آوردن موقعیت رفسنجانی را بپذیرند، موقعیت سست و ضعیف "ولی فقیه" است.

بقیه در صفحه ۲

نیروی انسانی در صنعت

"در این تردیدی نیست که تربیت و پرورش سرمایه های انسانی ظرف مناسب خود را طلب می کند و چنین ظرفی تا زمانی که رژیم آخوندی و استبداد مذهبی حاکم است فراهم نخواهد آمد."

در صفحه ۱۳

پناهندگان

- جان ۲۱ پناهجو در خطر است
- تلاش یک وکیل مترقی در هلند
- گزارش جدید
- خودکشی یک پناهنده در هلند

در صفحه ۱۴

زنان

- زنان در جنبش السالوادور
- تعطیلی سالنهای آرایش و بدن سازی زنان
در تهران
- جنگ پنهانی علیه زنان
- کنگره جهانی مبارزه با بهره برداری
جنسی از کودکان

در صفحه ۵

چین ۶ سال پس از تیان آنمن

"شکست نهضت دموکراتیک در سال ۱۹۸۹ اثبات نمود که روشنفکران لیبرال چینی فاقد هرگونه صلاحیتی برای رهبری جنبش دموکراتیک چین هستند. دنباله روی از اینان برای طبقه کارگر چین، دستاوردی جز انقیاد نخواهد داشت. کارگران چینی می باید خود را از سطنه ایدئولوژیک طبقه حاکم و روشنفکران لیبرال رها سازند و نیروی سیاسی واقعا مستقلی را تشکیل دهند، یعنی یک نیروی سوسیالیست انقلابی. آری بدین معناست که سرنوشت دموکراسی و سوسیالیسم در چین به هم گره خورده است."

در صفحه ۸

فرهنگ و هنر

- به یاد صمد بهرنگی و مرتضی حنانه در سالگرد
خاموشی آنها
- هشدار کانون فرهنگی - هنری پویا

در صفحه ۳

دیدگاهها

رهبری زنان، راه حل بنیادگرایی

در صفحه ۱۱

دیدار با مسئول امور خارجی حزب احیاء کمونیستی

در صفحه ۱۶

مسعود رجوی

پذیرش رفسنجانی توسط ماندلا را
محکوم کرد
آفریقای جنوبی "بیانیه مشترک" با
ایران را تکذیب کرد

روز شنبه ۲۴ شهریور از سسوی وزارت خارجه رژیم در اطلاعیه ای منتشر شد که در آن گفته شده: "در بی دیدار رفسنجانی و نلسون ماندلا، آنها اعلام کردند که "از وضعیت حقوق بشر در ایران خشنود هستند".

همان روز آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، سفر رفسنجانی رئیس جمهور دیکتاتوری مذهبی و تروریستی ملایان به آفریقای جنوبی و پذیرش وی توسط آقای نلسون ماندلا، رئیس جمهور این کشور را محکوم کرد و آن را بر ضد عالی ترین مصالح مردم ایران توصیف نمود. آقای رجوی سخنان رئیس جمهور آفریقای جنوبی مبنی بر بهبود وضع حقوق بشر در ایران را بسیار شوکه کننده و خلاف واقع توصیف کرد. وی افزود فراموشی وضعیت وخامت بار حقوق انسانی ۷۰ میلیون ایرانی در قبال دریافت نفت و امتیازات حقیر اقتصادی، آن هم از سوی آقای ماندلا که خود طعم زندان و شکنجه و کشتار همزمانش را برای سالهای متمادی چشیده است، بسا دور از انتظار است.

خبرگزاری فرانسه روز ۲۷/شهریور اعلام کرد که: "دولت آفریقای جنوبی اخبار منتشره در تهران مبنی بر این که این کشور از وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز خشنودی کرده و خواستار خروج نیروهای خارجی از خلیج فارس شده را قویاً تکذیب کرد. وزارت امور خارجه آفریقای جنوبی اعلام کرد، در پی دیدار رفسنجانی رئیس جمهور ایران طی پنجشنبه و جمعه گذشته، هرگز یک بیانیه مشترک منتشر نشد.

وزارت خارجه آفریقای جنوبی در بیانیه خود اعلام کرد: "با وجود ساعتها بحث و گفتگوی زیاد به منظور تهیه یک اطلاعیه مشترک، امکان دستیابی به یک فرمول قابل قبول از دو طرف در مورد مسائل حقوق بشر در ایران فراهم نشد". این اطلاعیه تصریح می کند که رئیس دیپلماسی آفریقا آلفرد نزو در گفتگوی دوجانبه با علی اکبر ولایتی در روز جمعه ۲۳ شهریور تنها گفته است که "آفریقای جنوبی از خواست تهران برای همکاری با نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران خرسند است". پرتوریا هم چنین اخبار رادیو ایران، مبنی بر این که آقایان رفسنجانی و ماندلا "خواستار خروج نیروهای خارجی از منطقه خلیج فارس شده اند" را تکذیب کرد.

□

یادداشت سیاسی ماه

اخبار - سرکوب، تروریسم و بنیادگرایی

بقیه از صفحه ۱

دستگیری گروه کاوه

روزنامه اخبار گزارش کرد که سرویسهای اطلاعاتی ایران "تمامی اعضای یک گروه ضد انقلابی" را که در صدد بمب گذاری در اماکن عمومی بوده اند را، دستگیر نموده اند. این روزنامه به نقل از یک مسئول سرویسهای اطلاعاتی گفت ضد انقلابیون مزبور متعلق به گروه "کاوه" بوده اند. این روزنامه به نقل از این مسئول افزود: "اعضای این گروه اخیراً در شهرهای استان مازندران اعلامیه هایی پخش کرده اند که از مردم دعوت به قیام می کرد". سرویسهای اطلاعاتی ایران مرتباً اشاره به دستگیری افرادی می کنند که متهم به جاسوسی یا فعالیتهای ضد انقلابی در استانهای ایران هستند.

خبرگزاری فرانسه ۴/شهریور/۷۵

دستگیری ۳۰ دختر و پسر

روزنامه کیهان روز ۳/شهریور ۷۵ نوشت که، پلیس ایران ۲۸ دختر و پسر بین ۱۷ تا ۲۰ ساله در یک جشن رقص در آپارتمانی واقع در شمال تهران دستگیر کرد. این افراد جوان متهم به شرکت در یک جشن "مبتذل" هستند که به گفته روزنامه ۲۵ نفرشان، هر یک به ده ضربه شلاق محکوم گردیدند و سه پسر به زندان افکنده شدند.

خبرگزاری فرانسه

نگرانی عفو بین الملل

سازمان عفو بین الملل، نسبت به جان یک روحانی سالخورده که در زندان حکومت اسلامی به سر می برد، ابراز نگرانی کرد. عفو بین الملل اعلام نمود آیت الله یعقوب الدین رستگاری که حدود شش ماه پیش در اوایل اسفند سال گذشته بازداشت شد، در حال حاضر در زندان قم به سر می برد و این نگرانی وجود دارد که حکومت با او همانند یک زندانی عقیدتی رفتار می کند. عفو بین الملل خواهان آزادی فوری آیت الله رستگاری شد.

رادیو اسرائیل ۳۱/شهریور ۷۵

چرخاندن جنازه یک پیشمرگ در شهر

مدتی پیش رژیم ضد خلقی آخوندی جنازه شهید سعدالله پیشمرگه حزب دموکرات کردستان ایران در منطقه بانه را به شهر سقز برده و در خیابانهای شهر چرخانده است. نیروهای رژیم در برابر حسینیه سقز، بر اثر انجام این عمل ضد انسانی با خشم و انزجار مردم واقع می شوند. این موضع مردم مزدوران رژیم را مجبور کرد که جنازه را از شهر خارج کنند. رادیو صدای کردستان ایران ۵/شهریور/۷۵

قتل ۱۸ جوان در الجزایر

مطبوعات الجزایر گزارش کردند که بنیادگرایان اسلامی سر ۱۸ نفر را در یکی از شهرهای جنوبی الجزایر بریدند. آنها ۱۸ جوان را از یک اتوبوس مسافربری بیرون آورده و به علت این که نمی خواسته اند به شورشیان بپیوندند، سرشان را از بدنشان جدا نمودند.

خبرگزاری فرانسه ۲۸/شهریور/۷۵

اشمیت باور در وضعیتی قرار می گیرند که یا باید به افکار عمومی تن دهند و یا باید به مناسبات ننگین خود با آخوندها که تروریست بودن آنان را یک دادگاه آلمان نیز تأیید نموده، ادامه داده و بنابراین بهای این مناسبات را در جدالهای سیاسی داخلی و در مناسبات بین المللی بپردازند.

.....

رویدادهایی که در ماه گذشته در عراق اتفاق افتاد، جنبه های مختلفی دارد که هر یک به تجزیه و تحلیل جداگانه ای احتیاج دارد. تحولات داخل عراق از آن جهت که رژیم آخوندی اولاً برای تغییر قدرت سیاسی آن به یک حکومت اسلامی و ثانیاً برای ضربه زدن و نابودی ارتش آزادیبخش ملی ایران همواره در آن دخالت کرده، برای جنبش ما اهمیت بسیار دارد. رژیم ولایت فقیه براساس نقشه توسعه طلبانه و تجاوزگرانه خمینی، در سیاست خارجی خود همواره ایجاد "اتحاد جماهیر اسلامی" را پیگیری می کند. عراق خاکریز اول برای پیشروی سیاست آخوندها بوده و هست. پایان جنگ ایران و عراق، توازن قوا را کاملاً به سود عراق تغییر داد. اما سیاست ماجراجویانه عراق در جریان اشغال کویت و رویدادهای بعد از آن، یک فرصت طلایی در اختیار آخوندها گذاشت. از آن زمان به بعد، آخوندها از هر فرصت برای پیگیری استراتژی خود در مورد عراق استفاده کرده اند. در جنوب عراق جریانهای وابسته به خود را تقویت کرده و در کردستان عراق عملاً به ایجاد پایگاه نظامی و اطلاعاتی مبادرت ورزیدند. آخوندها با حيله گری تمام و در تضاد بین گروههای کرد عراقی توانستند جلال طالبانی را کاملاً به خدمت خود درآورند و با استفاده از منطقه نفوذ جریان طالبانی، هم در اوضاع عراق دخالت کرده و هم به نیروهای اپوزیسیون ایران ضربه وارد کنند. آخرین نقشه آخوندها این بود که با گسترش پایگاهها و منطقه نفوذ جلال طالبانی، عملاً یک دالان زمینی در شمال عراق که سوپه را به ایران وصل نماید، ایجاد نمایند. آخوندهای حاکم در تهران فکر می کردند در وضعیت کنونی بین المللی، واکنش جدی علیه این اقدام صورت نمی گیرد. اما آن چه سرکردگان جمهوری اسلامی پیش بینی نکرده بودند، اتحاد حزب دموکرات کردستان عراق با دولت این کشور بود. این همکاری نقشه آخوندها را فعلاً برهم زده و یک ضربه سنگینی به رژیم ایران وارد کرده است. با این حال هنوز به طور قطعی نمی توان گفت که آیا رویدادهای آینده در عراق سیاست تجاوزگرانه و توسعه طلبانه آخوندها را در رابطه با این کشور به طور قطعی خنثی خواهد کرد یا نه؟ غیر قابل پیش بینی بودن تاکتیکهای دولت عراق و موقعیتی که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای کلیتون پیش آمده، همواره ممکن است رویدادهای را به سود رژیم ایران تغییر جهت دهد. در چنین شرایطی، هشیاری، آمادگی و سرعت عمل می تواند مقاومت ایران را از گزندهای احتمال مصون نگهدارد.

اگر خامنه ای تن به خواست طرفداران رفسنجانی داده و با تغییر قانون اساسی و یا اجرای فرآیندوم برای انتخاب مجدد رفسنجانی موافقت کند، راه را برای این گونه تغییرات در آینده باز کرده و هیچ بعید نیست که این گونه تغییرات راه را برای ضعیف کردن موقعیت خامنه ای باز کند. رفسنجانی انتخاب شده برای بار سوم، قوی تر از آن خواهد بود که تن به خواستهای ریز و درشت خامنه ای داده و ممکن است به این تمایل گرایش پیدا کند که خود در نقش "زهیر" در "خدمت نظام" قرار گیرد. اگر تضعیف موقعیت رفسنجانی، یک ضربه برای نظام ولایت فقیه است، انتخاب مجدد او یک خطر جدی برای شخص "ولی فقیه" به شمار می رود. بنا بر این "ملاحظه" اساسی که هیچ جنبه "قانونی" هم ندارد، بعید است که خامنه ای برای انتخاب مجدد رفسنجانی موافقت نماید.

.....

شهادت ابولحسن بنی صدر در دادگاه برلن و اظهارات وی در رسانه های گروهی، پروسه دادگاه برلن و در نتیجه مناسبات بین دولت آلمان با رژیم ایران را وارد مرحله ای جدید نموده است. اولین رئیس جمهوری اسلامی در دادگاه برلن اعلام نمود که دستور قتل دکتر صادق شرفکندی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران و سه نفر همراه او را شخص خامنه ای صادر نموده است. وی اطلاعات دیگری نیز در شهادت خود به دادگاه ارائه داد که هر یک اهمیت خاص خود را داراست. اهمیت اظهارات بنی صدر بدین جهت است که وی از اعضای "شورای انقلاب اسلامی" و اولین رئیس جمهوری اسلامی بوده و بنابراین پیرامون اطلاعات او در مورد ساختار دستگاه امنیتی و ساختار تشکیلات تروریستی رژیم، قضات دادگاه کمتر می توانند شک کنند. به دنبال این رویداد، موجی از مخالفت با سیاست دولت آلمان در مورد رژیم تروریستی آخوندی، در رسانه های گروهی آلمان برخاست. از یک طرف طرفداران سیاست "دیالوگ انتقادی" بر ادامه این سیاست پافشاری می کنند و از طرف دیگر مخالفین این سیاست به دولت آلمان فشار می آورند تا مناسبات دوستانه با آخوندها را قطع نماید. پس از شهادت بنی صدر و فشار اپوزیسیون دولت آلمان، کلاوس کینکل، وزیر امور خارجه آلمان و مجری صدیق مناسبات دوستانه با آخوندهای تروریست، مجبور شد اعلام کند که "حرفهای بنی صدر تأثیر قابل توجهی روی روابط با ایران خواهد گذاشت". (خبرگزاری رویتر ۳/شهریور/۷۵). آخوندها در مقابل موجی که علیه رابطه با آنان برانگیخته شده، کماکان به سیاست شانناز، همراه با باج دهی متوسل شدند. مطرح کردن طرح غرامت از شرکت زمینس، حمله به خانه کنسول آلمان در تهران، طرح مسئله فروش تسلیحاتی شیمیایی به عراق ... از جمله اقدامات آخوندها برای فشار بر دولت آلمان است. اگر قضات دادگاه تسلیم سیاستمداران نشوند، مسلماً حکم نهایی دادگاه برلن، یک ضربه سنگینی به مناسبات دوستانه دولت آلمان و رژیم ایران وارد خواهد نمود و در آن صورت آقایان کینکل و

نمایش فیلم "نان و گلدون" ممنوع اعلام شد

کانون فرهنگی - هنری پویا طی اطلاعیه ای که در تاریخ ۲۵/ اوت/ ۹۶ انتشار داد اعلام کرد که "طی یک سال گذشته، فشار بر نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران مقیم ایران افزایش یافته و این فشارها و تهدیدها هم چنان ادامه دارد. بر طبق اخبار موثق دریافتی، روز سوم ماه اوت بخش سانسور وزارت ارشاد جمهوری اسلامی طی نامه ای رسمی به آقای محسن مخملباف اعلام کرده که فیلم "نان و گلدون" اجازه نمایش در سینماهای داخل و خارج از کشور را ندارد. وزارت ارشاد دلیل این امر را "زیر سؤال بردن انقلاب اسلامی" در این فیلم دانسته است. در گذشته نیز جمهوری اسلامی نمایش فیلم "نوبت عاشقی" و "شبهای زاینده رود" را از این فیلمساز ممنوع اعلام کرده است. لازم به یادآوری است که آقای محسن مخملباف هنرمند ارزنده کشورمان در فستیوال در فستیوال جهانی لوکارنو (۸ تا ۱۸ اوت) هفته گذشته در سوئیس به خاطر فیلم "نان و گلدون" و سایر آثارش جایزه ویژه هیئت داوران را به خود اختصاص داد. وی هم چنین جایزه هیئت داوران را در بخش "سینما نوین" این فستیوال دریافت نمود.

کانون فرهنگی - هنری پویا، ضمن محکوم نمودن فشار بر هنرمندان و روشنفکران ایران، از نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر و انجمنهای بین المللی حمایت از نویسندگان و هنرمندان خواستار حمایت از هنرمندان و روشنفکران ایرانی و محکومیت سانسور سیستماتیک در ایران می باشد. لازم به تذکر است که فیلم نان و گلدون قبل از این تصمیم به وسیله کمپانیهای پخش فیلم در اروپا خریداری شده و به زودی در سینماهای فرانسه به نمایش درخواهد آمد.

محاکمه مدیر مسئول نشریه آدینه

محاکمه مدیر مسئول نشریه آدینه، دیروز در شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران آغاز شد. سازمان سنجش آموزش جمهوری اسلامی ایران از مسئول نشریه آدینه به عنوان نشر اکاذیب به دادگاه شکایت کرده است. مدیر مسئول آدینه در دفاع از خود گفت مقاله مورد اشاره توسط یکی از استادان برجسته و با سابقه کشور نوشته شده است که با دیدی کارشناسانه انتقاداتی را از سیستم گزینش دانشجویان در ایران مطرح کرده است. پس از اظهارات مدیر مجله، جلسه برای شور هیئت منصفه پایان یافت.

رادیو فرانسه ۱۴/ شهریور/ ۷۵

محرومیت چهار سینماگر از بازی در فیلم

ماهانامه صبح در شماره آخر خود می نویسد این چهار سینماگر به ارزشهای اسلام و انقلاب توهین کرده و بدین دلیل از کار ممنوع شده اند. در این شماره صبح که در شهریور ماه منتشر شده نام این چهار تن ذکر نشده ولی صبح اضافه کرده که آنها اخیراً در یک مجلس رقص به پایکوبی پرداخته و یک ترانه کوچک بازاری خوانده بودند.

برنامه تلویزیونی "هویت"

برنامه تلویزیونی هویت پس از چهار ماه اولین دور خود را به پایان رساند. این برنامه به وسیله گروهی که ۴ تن از آنان وابسته به حزب توده می بوده اند، اداره می شود. مهدی نصیری سردبیر ماهنامه صبح نیز با این گروه همکاری بسیار نزدیک دارد.

این برنامه که روزهای جمعه هر هفته به مدت نیم ساعت پس از اخبار سراسری کانال یک پخش می شود با هدف مقابله با نهضت‌های روشنفکری داخل و خارج از کشور که اینک به یک معضل اساسی برای حکومت تبدیل شده، طرح ریزی گردیده است. در بخشهای آینده این برنامه مناظره هایی ساختگی به نمایش درخواهد آمد. در بخش نخست آن که چهار ماه به طول انجامید پرونده سازیهای علیه متفکران و نویسندگانی چون سعیدی سیرجانی، شهرنوش پارسا پور، هوشنگ گلشیری، باقر مومنی، رضا براهنی، داریوش آشوری، عبدالحسین زرین کوب، جلال متین، ذبیح الله صفا، عزت الله سبحانی، احسان یارشاطر، رامین جهان بیگلر، حسین لاجوردی، داریوش شایگان و کانونهای مستقل فرهنگی - هنری خارج از کشور و مطبوعات آدینه و دنیای سخن صورت گرفته است.

فستیوال ونیز و کیارستمی

عباس کیارستمی سینماگر ایرانی در فستیوال سینمایی ونیز شرکت نمی کند. او که قرار بود در رقابتهای پنجاه و سومین فستیوال ونیز برای کسب شیر طلایی شرکت کند، در آخرین لحظه اعلام کرد که به علت آماده نبودن فیلمش در مسابقه نیز شرکت نخواهد کرد. جای او را در رقابتهای ابوالفضل جلیلی کارگردان فیلم "یک داستان واقعی" خواهد گرفت.

رادیو فرانسه ۶/ شهریور/ ۷۵

هوشنگ گلشیری :

من در وحشت زندگی می کنم

رادیو فرانسه در برنامه روز ۸/ شهریور/ ۷۵ خود اعلام نمود که هوشنگ گلشیری که قرار بود امروز به منظور دیدار با ناشرین و مترجمین آثار خود در آلمان وارد این کشور گردد، به علت ممانعت مأمورین ایرانی نتوانست از فرودگاه تهران پرواز نماید. ماهنامه صبح در شماره ۶۱ به تاریخ شهریور ۷۵ گلشیری را به خاطر مواضع او به شدت مورد حمله قرار داده است.

گلشیری اخیراً در مصاحبه با زودویچه سائونگ گفته بود: "من در وحشت زندگی می کنم، هر اتومبیلی که از کنارم می گذرد بر ترسم می افزاید. از وقتی که میرسیم، ارشاد را به دست گرفته اوضاع وخیم تر شده او جلال واقعی کتاب است."

انتقال جسد آندره مالرو به پانتئون

آندره مالرو، برجسته ترین چهره فرهنگی فرانسه در قرن بیستم در ماه نوامبر در "پانتئون" دفن خواهد شد. در ۲۳ نوامبر طی مراسم ویژه جسد وی در کنار شخصیت‌های برجسته بی مثل ولستر، روسو و ویکتور هوگو دفن خواهد شد. مالرو طی حیات خود به طور گسترده در کشورهای آسیای دور سفر کرده و در جنگ آزادیبخش اسپانیا در کنار جمهوریخواهان جنگیده بود وی در مقاومت فرانسه در جنگ جهانی دوم توانسته بود از دست جوخه اعدام آلمانهای نازی فرار کند. او بین سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۹ وزیر فرهنگ دولت ژنرال دوگل بود و در سال ۱۹۷۶ درگذشت. سال گذشته نیز ماری کوری، فیزیکدان زن فرانسوی طی مراسمی با حضور فرانسوا میتران رئیس جمهور فقید فرانسه، در پانتئون به خاک سپرده شده بود.

خبرگزاری رویتر ۱۲/ شهریور/ ۷۵

به یاد صمد بهرنگی و مرتضی حنانه
در سالگرد خاموشی آنها

در صفحه ۴

برنده فستیوال ونیز

فستیوال فیلم ونیز جایزه شیر طلایی بهترین فیلم این جشنواره را به فیلم "مایکل کولینز" اعطا کرد. این فیلم که توسط کارگردان ایرلندی نیل جوردن ساخته شده است، زندگی مایکل کولینز، مؤسس ارتش جمهوریخواه ایرلند را در سالهای ۱۹۲۰ شرح می کند. خبرگزاری رویتر ۱۸/ شهریور/ ۷۵

شب شعر سیمین بهبهانی

کانون فرهنگی - هنری پویا اعلام کرد که روز شنبه ۲۶ اکتبر ۱۹۹۶ در ساعت ۴ بعد از ظهر سیمین بهبهانی شاعر ارزنده کشورمان، یک جلسه شعرخوانی در پاریس برگزار می کند. محل برنامه، آمفی تاتر دانشگاه سوربن جدید (مرکز سانسور) است. سیمین بهبهانی علاوه بر پاریس در چندین شهر دیگر اروپایی برنامه های شعرخوانی اجرا خواهد نمود.

هشدار

کانون فرهنگی - هنری پویا

روز ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۶، کانون فرهنگی - هنری پویا، طی یک اطلاعیه مشروح در ۵ صفحه، "توطئه های وزارت جمهوری اسلامی علیه نویسندگان، روشنفکران و هنرمندان ایران" را به اطلاع عموم رسانده است. در این اطلاعیه گفته شده که: "طی هفته های گذشته، سلسله رویدادهایی در رابطه با هنرمندان، نویسندگان و روشنفکران اتفاق افتاده است. ابتدا به نظر نمی رسید که این رویدادها، ارتباطی با هم داشته باشند. اما بر طبق اخبار کاملاً موثقی که طی چند روز گذشته از جانب افراد متعدد (ساکن ایران و خارج از کشور) در اختیار کانون فرهنگی - هنری پویا گذاشته شده، مجموعه این رویدادها حکایت از یک توطئه همه جانبه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران علیه روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان ساکن ایران می کند. ما برای اطلاع افکار عمومی جهان و هم چنین ایرانیان خارج از کشور این اخبار و طرح اصلی وزارت اطلاعات را منتشر می کنیم."

اطلاعیه سپس به جریان حمله مأمورین رژیم به خانه رایزن فرهنگی سفارت آلمان در تهران و بازداشت خانمها سیمین بهبهانی، مهرنگیز کار، روشنگر کار و آقایان محمدعلی سپانلو، هوشنگ گلشیری و فرج سرکوهی می پردازد و پس از آن جریان مسافرت تعدادی از نویسندگان و هنرمندان به ارمستان و چگونگی جان سالم به در بردن این نویسندگان از نقشه ای که برای کشتن آنها طراحی شده بود، شرح می شود. در این اطلاعیه سپس به دستگیری تعدادی از نویسندگان که در منزل آقای منصور کوشان سردبیر مجله توقیف شده تکاپو برای تصویب نهایی منشور "کانون نویسندگان ایران" جمع شده بودند، می پردازد و ضمن ارائه بیلابندی از فشار بر هنرمندان و روشنفکران ایران و سانسور سیستماتیک آثار آنان، جریان "لیست سیاه" در مورد سینماگران که توسط وزارت ارشاد جمهوری اسلامی تهیه شده را شرح می دهد.

به یاد صمد بهرنگی و مرتضی حنانه

در سالگرد خاموشی آنها

— محمد رضا حمیدی

کابوس پاسدار

— م. حامی

در بخشی از قصه ماهی سیاه کوچولو آمده است که: "مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغم آید، اما من تا می توانم زندگی کنم نباید به پیشواز مرگ بروم. البته اگر یک وقتی ناچار با مرگ روبرو شدم که می شوم، مهم نیست. مهم این است که زندگی یا مرگ من چه اثری در زندگی دیگران می تواند داشته باشد".

این گفته صمد بهرنگی معلم و نویسنده مبارز و انقلابی است که ۲۸ سال پیش به آبهای ارس پیوست و موجی بلند از خود به جا گذاشت. تحولات سه دهه اخیر جامعه ما به ویژه رشد ادبیات کودکان و تفکر انقلابی و آشنایی نسلهای همزمان با صمد و بعد از او، حکایت از آن دارد که زندگی و مرگ صمد اثری ژرف بر زندگی دیگران داشته و این نسلها را با پدیده ای به نام تفکر و اندیشه نسبت به محیط و عوامل بازدارنده رشد فرهنگی مردم آشنا نموده است.

صمد که ۵۷ سال پیش در خانواده ای فقیر در یکی از محلات تبریز به دنیا آمد پس از اتمام تحصیل، به جهت علاقه ای که به تعلیم و تربیت کودکان داشت، شغل معلمی را انتخاب و جهت تدریس به روستاهای دورافتاده رفت. وی که خود با پدیده فقر و علت آن آشنا بود در نوشته هایش سعی می کرد که کودکان را با علت فقر یعنی جامعه طبقاتی و راه رفع آن آشنا نماید. در گام اول سعی کرد با خرید کتابهای کودکان از حقوق ناچیز محلی اش و توزیع رایگان آنها بین کودکان و هم چنین چاپ ارزان قیمت کتابهای خودش، کتابخانه سیاری که همان کیف دستی اش بود، ایجاد کند.

وی در کتاب کندوکاوی در مسائل تربیتی و ادبیات کودکان می نویسد: "آیا نباید به کودک بگویم که هستند بچه هایی که رنگ گوشت و پنیر را ماهها و سالها نمی بینند. آیا نباید به کودک بگویم که چرا بیشتر از نصف مردم جهان گرسنه اند و راه برانداختن گرسنگی چیست؟ آیا نباید درک علمی و درستی از تاریخ و تکامل اجتماعات انسانی را به کودک بدهیم؟ چرا باید بچه هایی مطیع و شسته و رفته که با هیچ چیز آشنا نیستند تربیت کنیم؟". او سعی کرد با نقد روابط اجتماعی در قالبی ساده علتهای فقر، دزدی، دروغ و گناه را به کودکان بیاموزد و این که هیچ انسانی ذاتاً تبهکار به دنیا نمی آید بلکه شرایط اجتماعی و قرار گرفتن در یک محیط ناهموار وی را به تبهکاری سوق می دهد. وی در عین حال به زبانی ساده و لطیف خصایص انسانی از جمله عطف و مهربانی را ستایش و با نكوشش افرادی که فقط به گذران زندگی خود فکر می کنند و از همدلی و مسئولیت نسبت به دیگران پرهیز می کنند، مسئولیت پذیری و احساس مسئولیت در قبال جامعه و زندگی و دیگران را به ما آموخت. صمد با تاکید بر آزادی و این که تنها در یک فضای آزاد که انسانها حق اظهار عقیده را داشته باشند می توان رشد کرد، به خلق قهرمانانی پرداخت که هم چون ماهی سیاه کوچولو و اولدوز و کلاغها بر سر آرمان آزادی خواهی و مسئولیت در قبال دیگران با از خودگذشتگی و فداکاری منافع شخصی خود را زیر پا گذاشته و برای پیشرفت مردم به مبارزه برخاسته اند. وی با شناخت مختصات یک جامعه طبقاتی و با تاکید بر مبارزه برای رفع هر گونه ستم و استثمار، با ستایش نیروهایی که نسبت به دشمنان مردم کینه دارند به ویژه در قصه های اولدوز و عروسک سخنگو و ۲۴ ساعت خواب و بیداری مبارزه مسلحانه را تنها راه برقراری عدالت اجتماعی و رفع هر گونه ستم و استثمار طبقاتی معرفی می کند.

از صمد بهرنگی مجموعه مقالاتی نیز در خصوص فرهنگ و ادبیات آذری به جای مانده که بخشی از آنها با یاری و همکاری فدایی شهید بهروز دهقانی به رشته تحریر درآمده و سهم به سزایی در آشنایی مردم با فرهنگ بومی و محلی و افسانه های آذری دارد.

خاطره صمد بهرنگی معلمی که مهر و عطفی بی کران نسبت به کودکان داشت را با ذکر جمله ای از کتاب ماهی سیاه کوچولو گرامی می داریم: "چطور می شود فراموش کنیم؟ تو ما را از خواب خرگوشی بیدار کردی، به ما چیزهایی یاد دادی که پیش از این حتی فکرش را هم نکرده بودیم".

.....

بسیاری معتقدند سهم اساسی در ادامه کار ارکستر سمفونیک تهران و نحوه ارکستراسیون موسیقی اصیل در ایران را مرتضی حنانه به عهده داشته است. این ادعا با توجه به نقش وی در سرپرستی ارکستر سمفونیک در فاصله سالهای ۳۱ تا ۳۳، ارکستراسیون ارکستر فارابی و عضویتش در شورای موسیقی رادیو و تلویزیون تا استانه انقلاب و تالیفاتی که در زمینه موسیقی به جای گذاشته حرف گزافی نیست. وی یکی از معدود موسیقیدانانی بود که در دوره فعالیتها هنری اش جنجال برانگیز ظاهر شد. او هنگام تحصیل در هنرستان موسیقی در فاصله سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷ جزء دانشجویانی بود که علیه ریاست کلنل وزیری در اعتصاب به سر می بردند. سپس به همراه همین دانشجویان به حزب توده پیوست و به فاصله کوتاهی به همراه تعدادی دیگر به جهت عدم پذیرش مشی حزب توده در زمینه هنر و محدود شدن فعالیتهاشان از حزب توده جدا شد. پس از اتمام تحصیلات در هنرستان موسیقی جهت ادامه تحصیل به ایتالیا رفت. وی با اعتقاد به این که موسیقی اصیل ایران، می باید از قالبهای کلاسیک خارج و نحوه اجرا و عمل سازها می باید از شکل مدرنی برخوردار باشد به تعقیر در ساختار ارکستر سمفونیک همت گماشت. مرتضی حنانه در زمینه ساخت موسیقی متن فیلم نیز فعال بود، هر چند که علیرغم ساخت موسیقی متن برای بیش از ۱۰ فیلم موفقیتی در این زمینه نداشت. تنها موسیقی متن فیلم "فرار از تله" ساخته جلال مقدم که جایزه اول جشنواره فیلم سپاس را در سال ۵۰ نصیبش کرد، موسیقی متن فیلم "جهنم به اضافه من" ساخته محمدعلی فردین به جهت استفاده از تم نوستالژیک وار حاکم بر تصنیف ارائه شده در موسیقی فیلم یاد شده و موسیقی متن مجموعه تلویزیونی "هزارستان" ساخته علی حاتمی از آثار قابل اعتناء وی به شمار می روند. در سال ۱۳۵۰ حنانه ادعا کرد که اسفندیار منفردزاده موسیقی متن فیلم قیصر را از موسیقی فیلم Z کپی کرده است. این ادعا موجب جنگ قلمی شد و ارائه شکایت به دادگاه شد که با رای دادگاه به نفع منفردزاده این جنجال خاتمه یافت.

حنانه جزء هیأت منتخب هنرمندان جهت جشن هنر شیراز و در سال ۱۳۶۷ نیز جزء هیأت داوران جشنواره سرودها و آهنگهای انقلابی بود. از وی آثار و تالیفات بسیاری در خصوص موسیقی مدرن و سنتی و ترجمه هایی به یادگار مانده که می توان به کتاب گامهای گمشده و مجموعه کاست آیین وفا با صدای خانم مرضیه اشاره داشت. استاد مرتضی حنانه یکی از موسیقیدانان شایسته کشورمان در تاریخ ۲۴ مهر ماه ۶۸ بر اثر سرطان درگذشت.

□

جوخه!

به جای خود!

هدف!

آتش!

جوخه! به جای خود! هدف! آتش!

آتش! آتش! آتش...

گلوله ها شما را چه می شود؟

بوست و استخوانی که بیش نیست!

جئه ای نحیف و شلاق خورده ای که بیشتر نیست!

گلوله ها شما را چه می شود؟

جوخه! به جای خود!

هدف! آتش! آتش!

طغاب دار بیاورید و به دارش آویزید!!

که دارویست توان تحمل بدن دردم شکسته اش را دارد!!

طغاب را به دور گردن افراخته اش بیاورید

چشمان ورم کرده، لیکن مغزورش را با دستمال ببندید!!

نفسش باید برید!!

صدایش را خفه باید کرد!!

ندای آزادی می داد

در زیر رگبار شلاق و باتون

گویبی که دستان مادران ستمدیده نوازشش می دهند

و نوید رهایی خلق ستمدیده

نه!

نه! نه! بدنش تکه تکه باید کرد!!

و هر تکه اش به گوشه ای از شهر باید آویخت!

تا که بدانند

همه داستانش را، افسانه مقاومت و پایداری بی امانش را

بگذار تا همه بدانند

که نگشود لب او تا به آخرین دم

بگذار تا همه بدانند

که سرود آزادی می خواند

و بوسه زن بر جویه دار بود

در آخرین دم

و جزایش ...

جوخه اعدام

که در پیش او به زانو درآمدند

و فریاد تسلیم از تنگکهایشان!!

و او

آوازه خوان سرود آزادی

گویبی که

هزاران است. بیشماران است!

گویبی که

لااله وار، در دشت مقاومت می رویند!

سرخگونه، پیام آور رهروان آینده اند!!

اما ...

ساقه اش خواهیم شکست!

و ریشه اش

از بن خواهیم کند!

تا که نروید! تا که نخواند! سرود نابودی ما!

پاسدار "دار" می نامید

و سایه حلقه را بر گردنم نشانه می رفت

گویبی که

آینده ام بر او عیان بود

و نقطه اتمامی بر حکومت

و او تنها علت سقوط

آی ...

جرثومه فساد...!

آوازه خوان قرنهای جهل و ریاء...!

ضحاک پیر و خون آشام...!

سمبل ارتجاع...!

گویبی که انتهاست!

دیگر توانم نمی کشد!

دیگر گلوله و تیر دارم نمیکشد!

بر پیکرش ...

درد تازیانه را دیگر نمی چشد!

آهی نمی کشد!

مستاصلم! مستاصلم! مستاصلم! مستاصلم!

زنان در جنبش السالوادور

— صوفی سعیدی

مقدمه

مبارزه مردم السالوادور برای تغییرات اجتماعی، یک پروسه در حال جریان است. زنان السالوادور هم چون زنان کوبایی و نیکاراگوئه ای، فعالانه درگیر مبارزه برای آزادی سیاسی و اجتماعی کشورشان بوده و متعاقباً توانسته اند به مقامهای قابل ملاحظه ای در رهبری سازمان خود برسند. ملیدا آنایامونتس (Melida Anaya Montes) یکی از رهبران جنبش بود. متأسفانه، جنبه آزادیبخش پلی فارابوندومارتی نشان داد که تعصب مردانه، نهایتاً زنان را از ایفای نقشها و توانائیشان باز خواهد داشت. نمونه غم انگیز یک چنین تعصبی قتل تراژیک ملیدا آنایامونتس توسط یک مرد همزیم (و از اعضای بالا رتبه سازمانش) است. این واقعه نشان داد که زنان اف ام ال ان باید راه درازی را برای احقاق حقوق خویش (در درون سازمان آزادیبخش) طی کنند.

در این مقاله ابتدا زمینه به وجود آمدن اف ام ال ان را مختصراً مورد بررسی قرار داده و سپس این بررسی را پیرامون شرکت زنان در سازمان آزادیبخش ملی به طور مشخص متمرکز خواهیم کرد. از آن جایی که جنگ اف ام ال ان بر زنان السالوادور تأثیر زیادی گذاشته، وضعیت سیاسی و نظامی نیز مختصراً مرور خواهد شد. در شرایط سخت جنگی بخش بزرگی از پناهندگان کشور را زنان تشکیل می دهند. در این رابطه مشکل پناهندگان را اجمالاً بررسی خواهیم کرد. سپس فعالیتهای سازمانهای مختلف زنان را مرور می کنیم. یک بخش کامل به مطالعه و بررسی شرکت زنان در اف ام ال ان اختصاص داده شده و در همین راستا، موضوع تعصب و مقاومت مردان علیه شرکت زنان در مقامهای رهبری بحث خواهد شد. به علاوه، برای نشان دادن توانائیهای زنان السالوادور در امر رهبری، زندگی یک زن انقلابی که در موضع رهبری قرار داشت مرور خواهد شد.

به این نکته نیز باید تاکید کرد که در مناطق آزاد شده تحت حاکمیت اف ام ال ان نقش زنان مهم و تعیین کننده است.

جنبه آزادیبخش ملی

فارابوندومارتی (اف - ام - ال - ان)

نزدیک به نیم قرن، السالوادور تحت تسلط دیکتاتوری نظامی که در واقع حامی منافع الیگارش و سرمایه بیگانه بود، قرار داشت. در عین حال، وضعیت اجتماعی در السالوادور بدین قرار بود: کمتر از نیمی از یک درصد مالکین، ۳۷/۳ درصد زمینهای زراعی را در اختیار داشت در حالی که ۹۱/۴ درصد صاحب ۲۱/۹ درصد زمین بودند. ۸ درصد جمعیت کشور صاحب ۵۰ درصد درآمد ملی می باشند در حالی که ۵۸ درصد جمعیت کمتر از ۱۰ دلار در ماه درآمد دارند. ۶۰ درصد مردم السالوادور که در مناطق روستایی زندگی می کنند و ۴۰ درصد از آنها که در شهر زندگی می کنند، سواد خواندن و نوشتن ندارند. در طول سال، تنها ۱۶ درصد از مردمی که از لحاظ اقتصادی فعال هستند، تمام سال کار می کنند. کمتر از ۳ دکتر برای هر ۱۰۰۰۰ نفر و کمتر از ۲ تخت بیمارستان برای هر ۱۰۰۰ نفر اهالی موجود است در حالی که هیچ آمار مرگ و میر وجود ندارد. ریشه اصلی سرکوب سیاسی در تمرکز زمین و قدرت در دست تعداد بسیار کمی از جمعیت است. السالوادور یک جمهوری کوچک واقع در آمریکای مرکزی با جمعیتی کمی بیش از ۵ میلیون نفر است.

بقیه در صفحه ۶

من باید بجنگم

امروز فولان دومین زن هندی که به علت فشارهای ناشی از ستم جنسی به زنان به انتقام کشی پرداخته بود و سپس به ۱۱ سال زندان محکوم شد، پس از آزادی از زندان در ماه گذشته به عنوان نماینده پارلمان هند انتخاب شد. یک زن که نمی تواند بخواند و بنویسد. او می گوید: "من بیسواد هستم. نمی توانم در دولت باشم. من می خواهم به زنان نیرو بدهم. داستان من، داستان هزاران نفر دیگر است. تمام روزهای زندگی از خودم می پرسیدم چرا من یک زن در هند و فقیر متولد شده ام. این مسئولیت من است که از حالا به بعد بجنگم و نه فقط برای هندیان. تلویزیون فرانسه ۱۵/شهریور/۷۵

کنگره جهانی مبارزه با

بهره برداری جنسی از کودکان

اولین کنگره جهانی مبارزه با سوء استفاده جنسی از کودکان روز ۶ شهریور امسال در استکهلم پایتخت سوئد، کار خود را آغاز کرد. ۱۲۰۰ کارشناس از ۱۲۶ کشور جهان و نمایندگان حدود ۵۰ سازمان غیر دولتی در این گردهمایی شرکت داشتند و طی ۵ روز به تبادل نظر در باره شیوه های مبارزه با این آفت که نزدیک به یک میلیون کودک را به روسپیکری واداشته، پرداختند. رادیو فرانسه در همان روز گزارش نمود که، صدها جامعه شناس، روان شناس و کارشناس امور تربیتی مطالعات خود را در باره تأثیرات نشر تصاویر و نوارهای ویدئویی مستهجن که اعمال جنسی با کودکان را تبلیغ و تشویق می کنند، به بحث گذاشته اند. سازمانهای غیر دولتی و نمایندگان رسمی دولتها در پایان ۵ روز کار کنگره برنامه یی را در جهت تعیین الیوتها و اقدامات مشخص و هماهنگ کلیه ارگانها تدوین کردند. رادیو فرانسه روز ۱۰/شهریور/۷۵ گفت: "در پایان نخستین کنگره جهانی مبارزه با بهره برداری جنسی از کودکان، که در استکهلم پایتخت سوئد برپا شده بود، ۸۲ تن از برندگان جایزه نوبل، از جامعه بین المللی خواستند برای مبارزه با این بلا، به اقداماتی قاطع دست زنند".

خبرگزاری رویتر روز ۷/شهریور/۷۵، قطعه نامه مبارزه با استثمار جنسی کودکان را مخایره نمود. براساس قطعه نامه کنفرانس بین المللی مبارزه با استثمار کودکان که روز ۷ شهریور در سوئد تصویب شد، سوء استفاده جنسی از کودکان "نوع جدیدی از برده داری است" و نیازمند همکاری بین المللی برای متوقف ساختن آن است. براساس این قطعه نامه پیشنهادی، جنایتهای جنسی در رابطه با کودکان باید به شدیدترین وجه مورد مجازات قرار گیرند.

استثمار جنسی کودکان به زبان آمار

روزنامه لوموند ۶/شهریور/۷۵: به نقل از یونیسف: فیلیپین بیش از ۶۵۰۰۰۰ نفر، هند ۳۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ نفر، آمریکا ۳۰۰۰۰۰ نفر، چین بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر، تایلند ۲۰۰۰۰۰ نفر، تایوان ۶۰۰۰۰۰ نفر، پاکستان ۴۰۰۰۰۰ نفر، نپال ۳۰۰۰۰۰ نفر، سری لانکا ۳۰۰۰۰۰ نفر، دومینیکن ۲۵۴۵۵ نفر، بنگلادش ۱۰۰۰۰ نفر، فرانسه ۸۰۰۰ نفر.

تعطیلی سالنهای آرایش و

بدن سازی زنان در تهران

فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد که: ۲۴۳ سالن آرایش زنانه و بدن سازی به علت عدم رعایت ضوابط و مقررات صنفی، ترویج آثار و فرهنگ مبتذل غرب و تداخل در امور صنفی طی هفته گذشته در تهران تعطیل و پلمب شدند.

مجلسه زن روز در شماره ۲۰ مرداد ۷۵ خود می نویسد: "سرتیپ ابوالفتحی فرمانده ناحیه انتظامی تهران بزرگ ضمن اعلام این مطلب افزود: سالنهای آرایش زنانه و بدن سازی در خیابانهای پاسداران، زعفرانیه، ستارخان، ولی عصر، آفریقا، گاندی، ۱۷ شهریور، بلوار ابوذر، خاوران، شریعتی، سعادت آباد، افسریه، شهرک قدس، فلکه دوم صادقیه و... به علت توزیع مشروبات الکلی، مواد مخدر، عکسهای مستهجن، فیلم و نوار ویدئو و کاست غیر مجاز تعطیل شده اند.

وی ضمن هشدار به صاحبان این اماکن گفت: صاحبان حرف و مشاغل می باید ضمن رعایت شئونات اسلامی از هر گونه اقدام مغایر با شئون صنفی و تداخل کاری خودداری نمایند و محیطی سالم برای ارائه خدمات به مردم ایجاد کنند. وی افزود: سالنهای آرایش زنانه و بدن سازی که موازین صنفی و شئون اسلامی را رعایت نکنند، تعطیل می شوند.

جنگ پنهانی علیه زنان

رهبران سازمانهای دفاع از حقوق زنان گفتند، اگر با مسئله برده داری جنسی زنان توسط ارتش سلطنتی ژاپن در جنگ جهانی دوم برخورد قاطع شده بود، امروز شاهد فجایع علیه زنان در یوگسلاوی سابق و آفریقا نمی بودیم. خانم شین، از کره جنوبی گفت: "اگر با مسئله فحشا کشیده شدن اجباری بیش از ۲۰۰ هزار زن آسیایی توسط نیروهای ارتش ژاپن در جنگ جهانی دوم به عنوان یک جنایت جنگی برخورد شده بود، احتمالاً فجایعی که در بوسنی و بخشهای دیگر جهان اتفاق افتاد، روی نمی داد. آسوشیتدپرس ۱۷/شهریور/۷۵ که حرفهای خانم شین را گزارش نموده اضافه می کند که: "به مقامات ژاپنی فشار می آورد تا رسماً بر دگی جنسی و تجاوز در زمان جنگ به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شود. او رئیس سازمان زنان آسیایی است و یک سلسله فعالیتهای جهانی را به منظور متقاعد کردن مقامات ژاپنی برای پذیرش مسئولیت فجایع جنسی علیه زنان کره یی و فیلیپینی توسط ارتش ژاپن، آغاز کرده است. او هم چنین خواستار پرداخت خسارت علیه بازماندگان این فجایع توسط دولت ژاپن می باشد. دولت توکیو در حالی که پرداخت خسارت به مبلغ ۲۰ هزار دلار به هر یک از قربانیان توسط مؤسسات خصوصی ژاپنی را تائید می کند، ولی می گوید قرارداد پایان جنگ تمامی ادعاها را برآورده کرده است و رسماً مسئولیت نمی پذیرد. خانم شین گفت: "اکثر بازماندگان از پذیرش این پول امتناع ورزیده اند و می گویند متکدی نیستند، آن چه آنها می خواهند بازگشت حیثیت و شرافت انسانی خود است و این امر تنها از طریق قبول این مسئولیت به طور رسمی توسط دولت ژاپن میسر است. خانم شین برنده جایزه مؤسسه آمریکایی "زنان، قانون و توسعه بین المللی" است و این سخنان را در هفتمین کنفرانس "انجمن زنان در حال توسعه" که با شرکت ۱۲۰۰ نفر از ۷۵ کشور جهان در واشنگتن برگزار شد، بیان نمود. خانم ویولتاکراسینچ از مرکز مبارزه با خشونت جنسی، مستقر در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی سابق، در این کنفرانس گفت: "یک جنگ پنهانی علیه زنان در سراسر جهان جریان دارد". خانم کراسینچ که سازمانش به قربانیان مناقشه در یوگسلاوی سابق کمک می کند، گفت: "زنان در بوسنی مورد تجاوز قرار گرفتند چون زن بودند نه به خاطر این که عضو این یا آن گروه قومی هستند. ما متوجه می شویم که زنان در هر کشوری با تهدید تجاوز رو به رو هستند".

زنان در جنبش السالوادور

بقیه از صفحه ۵
کشاورزی و زمین داری مشخصه اصلی این کشور است. در السالوادور ۶۰ درصد تمام زمینهای ارضی در اختیار تنها ۲ درصد جمعیت است.

ارتش در سال ۱۹۳۲، وقستی که ژنرال ماکزیمیلیان هرناندز تصمیم گرفت که شورش دهقانان وابسته به جنبش فابوندمارتی را با قتل عام ۳۰۰۰۰ نفر در طول یک هفته، سرکوب کند، وارد سیاست شد. تا سالها، ارتش السالوادور و ۵۰ خانواده الیگارش، دولت را کنترل کرده و مخالفین را به شدت سرکوب می کردند. در اکتبر سال ۱۹۸۰ یک جبهه متحد متشکل از پنج گروه که بعداً اف ام ال ان نام گرفت تشکیل و در نهضتهای دهقانی، کارگری آن دوران به طور فعال شرکت کرد.

اف ام ال ان به عنوان یک نیروی انقلابی علیه دولت السالوادور و نیروهای مسلح آن وارد جنگ شد. بسیاری از زنان مبارز اف ام ال ان فعالیتهای سیاسی خود را در این دوره به عنوان اعضای سازمانهای مردمی، دانشجویی، دهقانی، کارگری و غیره شروع کردند. این افراد، به خاطر مشاهده بی عدالتیهای آشکار در جامعه و در اطراف خود و به علت فعالیتهای سیاسی فشرده در آن سالها مسئولیتهای بیشتری را در این سازمانها به دست گرفتند. زنانی که بسیاری از آنان به احزاب سیاسی انقلابی ملحق شده و اتحادیه های وسیع خلقی را رهبری می کردند. اعضای حزب، متدیهایی برای کار و ارتباطات پرورش دادند که فعالیتهای آنان را از دولت پنهان می کرد. در این دوره، زنان و هم چنین مردان مشغول فراگیری حرفه ها و دیسپلین برای کار زیر زمینی شدند که آنها را تبدیل به اعضا و رهبران با ارزشی در سازمانهای چریکی در حال رشد کرد.

اف ام ال ان در مناطق رای گیری داخل کشور با جبهه دموکراتیک غیر نظامی (FDR) که اتحادی از احزاب سیاسی مرکز و متمایل به چپ بود، از سال ۱۹۸۸ در صحنه دیپلماتیک کار می کرد.

شرایط سیاسی و نظامی

السالوادور از ستم وحشتناکی زجر می برد. در حالی که جمعیتش در حدود ۵ میلیون نفر است، آمار دولت درجه بالایی از بی رحمی را نشان می دهد. دهها هزار نفر از رهبران، فعالین و هواداران نهضت بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱، توسط نیروهای امنیتی دولت و جوخه های مرگ شبه نظامی، ناپدید شده و یا به قتل رسیده اند. بسیاری از فعالین زن و مرد باقی مانده مجبور شدند که فعالیتهای علنی خود را رها کرده و به نیروهای چریکی که پایه های فعالیت خود را در خارج از شهر بنا کرده بودند، ملحق شوند. در نتیجه این دوره از سرکوب، بسیاری از احزاب سیاسی شروع به تمرکز بیشتر بر روی توسعه واحدهای چریکی (که از دهه ۱۹۷۰ شروع به کار کرده بودند) کردند. در همان زمان بسیاری از زنانی که به طور سیاسی فعال بودند، وارد بخشهای بسیاری از فعالیتهای نظامی شدند. به علاوه، زنان در رهبری سیاسی (هر کدام از ۵ سازمان که اف ام ال ان را تشکیل می دادند) وارد شدند. در طول چندین سال، دو زن در اف ام ال ان معروف بوده اند. زنی که برای نمایندگی اف ام ال ان در اولین دور مذاکرات با دولت در سال ۱۹۸۴ انتخاب شد، نیدیا دیاز نام داشت. او فرمانده چریکها و رهبر سیاسی در داخل جبهه بود. در بهار سال ۱۹۸۵، وی در یک درگیری توسط نیروهای دولت دستگیر و در زندان شکنجه شد. در حال حاضر، او به عنوان رهبر اتحادیه زنان السالوادور برای آزادی کار می کند. در سال ۱۹۹۱، زنی که مسئولیت

مذاکره برای خاتمه جنگ را به عهده داشت، آنا گوادلویه مارتینز نام داشت. او یکی از سه زن عضو بالاترین رده رهبری اف ام ال ان و تنها عضو کمیسیون مذاکرات سازمان و مسئول ملاقات با دولت السالوادور بود. مارتینز یکی از شناخته شده ترین چهره های انقلاب در السالوادور است. از زمان ملحق شدنش در ۱۷ سالگی به نهضت دانشجویی در سال ۱۹۶۹ ۲۲ سال زندگی سخت سیاسی را پشت سر گذاشته است.

زنان پناهنده

جنگ در السالوادور جنگی از طرف دولت علیه مردم یک میلیون و نیم نفر را مجبور به ترک خانه شان کرده است. بسیج جنگ هفت ساله که با خشونت دولتی همراه بود، ۱/۳ از ۵ میلیون جمعیت کل السالوادور را به پناهندگان تبدیل کرد. خشونت دولتی از طریق جوخه های مرگ که هدف اصلیشان حذف هر کسی است که با دولت مبارزه می کند، از سال ۱۹۷۹ بیش از ۸۰۰ هزار نفر از مردم السالوادور را بی خانمان کرده و آنان را مجبور به ترک کشور کرده است. ۲۰۰ هزار نفر به مکزیکو ۲۳ هزار نفر به نیکاراگوئه، ۲۴ هزار نفر به هندوراس و ۱۰۰ هزار نفر به کشورهای آمریکای مرکزی رفته اند. حداقل نیم میلیون نفر دیگر سفر سختی را از مکزیکو به ایالات متحده طی کرده اند.

به گفته اسقف اعظم سان سالوادور، ۶۰۰ هزار تا ۷۰۰ هزار نفر در داخل السالوادور پناهنده می باشند. این اشخاص به واسطه بمبارانهای هوایی و تسخیر زمینی مجبور به زندگی در مخروبه و یا مراکز پناهندگی شلوغ در اطراف سان سالوادور شدند. دلایل این خروج همگانی و متعاقباً مشکل پناهندگان استراتژی "اتش زدن زمین" توسط ارتش السالوادور که از آمریکا آموزش گرفته اند، است. بحث اصلی این استراتژی جا به جایی اجباری مردم بومی از مناطق جنگی برای قطع تماس و دریافت حمایت اف ام ال ان با نیروهای مردمی است. از سال ۱۹۸۲ مردم روستایی السالوادور تحت شدیدترین بمباران تاریخ نیم کره غربی قرار گرفتند. تعداد بمبارانها از ۱۱۱ در سال ۱۹۸۲ به بیش از ۱۶۰ بمباران در سال ۱۹۸۵ رسید. دهقانیانی که از بمباران نجات پیدا کرده اند به زور از سرزمینشان کنار زده شده اند.

سازمانهای زنان

زنان در السالوادور تحت شرایط سرکوب زندگی می کنند. در کشوری که دولت با مردم خودش در جنگ است، زنان از این میان حتی از پایه ای ترین نیازشان بهره منده نمی شوند. بر این اساس، برای بسیاری از سازمانهای زنان حتی درخواست مینیمم احتیاجات زندگی، یک عمل سیاسی تلقی می شود. شرایط سرکوب زیربنای مبارزه السالوادور بوده و مشخصاً بر زنان السالوادور که فشار بیشتر سرپرستی خانواده شان را تحمل می کنند، تاثیر می گذارد.

بر طبق مطالعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۸ تقریباً ۴۰ درصد از فقیرترین خانواده های السالوادور را زنان سرپرستی می کنند. سازمانهای زنان، تخمین زده اند که ۷۰ درصد تمام خانواده های السالوادور توسط زنان اداره می شود. از آن زمان تاکنون، تعداد روبه رشدی از زنان، خانواده های خود را به قصد فرار از جوخه مرگ، رها کرده اند.

از طرف دیگر در اثر استراتژی ارتش السالوادور مبنی بر "سوزاندن زمین"، مردم غیر نظامی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اند. اکثر مردان قبلا خانواده را ترک کرده بودند و بیشتر جمعیت در تپه ها شامل زنان و بچه های زیر سن ۱۲ سال می شد. در کمپهای پناهندگان، زنان اکثریت جمعیت را، به لحاظ این که جنگ آنها را از

زنان

همسرانشان جدا کرده و یا بیوه شده اند تشکیل می دهند. زنان السالوادور از فرصت شرکت در پروسه تغییر کشور استقبال کرده اند. مخصوصاً وقتی که شوهران و پسرانشان به سازماندهی مبارزه مباردت ورزیدند، زنان نیز به آنان ملحق شدند. به علاوه، در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷، زنان مشخصاً تحت تعقیب قرار داشته و همگی علیه دستگیری مقاومت ورزیدند و به افسران دولتی اجازه ندادند که آنها را با خود ببرند. آنها در خانه هایشان به همراه فرزندانشان کشته می شدند. بسیاری از زنان برای ملحق شدن به جنبش، از سرپرستی فرزندانشان دست کشیدند.

روزنامه ها به تدریج مقالات بیشتری در مورد زنانی که سلاح به دست گرفته و در مبارزه مسلحانه کشته شده اند. چاپ کرده اند. این مشخص می کند که بهای شرکت زنان در مبارزه انقلابی سنگین بوده است. در السالوادور، سازمانهای زنان بسیاری تشکیل شده که هدفشان تسهیل ورود زنان به مبارزه مسلحانه انقلابی است. خانم میریام گالدمز نماینده اف دی آر که در اروپا کار می کند. نقش انجمن زنان السالوادور را توضیح داده است. به گفته گالدمز انجمن زنان السالوادور به دو دلیل ایجاد شدند. یکی برای ایجاد سازمانی که از طریق آن زنانی هم چون خانه داران، پرستاران و سکرترها بتوانند در مبارزه آزادیبخش شرکت کنند. و دوم این که تمامی زنان بتوانند برای حقوق مشخص زنان از قبیل حق بارداری، لغو عقیم کردن اجباری، برنامه ریزی خانواده، نگهداری از بچه رایگان و آموزش و پرورش مبارزه کنند.

تمام سازمانهای مترقی سیاسی و منجمله اف ام ال ان معتقدند که آزادی زنان در جامعه ای که به طور نسبی تحت تسلط مردان بوده. تا زمان آزادی کل مردم حاصل نمی شود. سازمانهای مترقی سیاسی می گویند که آزادی زنان، بخش جدایی ناپذیر این پروسه و از آن غیر قابل تفکیک است. این نظر مشابه بیان نهضتهای رهایی بخش دیگر در کوبا و نیکاراگوئه است. اما به گفته گلدامز، "ما متقدمیم که آزادی زنان حقوق خود آنان را پایه ریزی می کند، کوبا کمی دیر به مسئله زن توجه کرد. نیکاراگوئه سریعتر پیش می رود و ما فکر می کنیم که خودمان نیز خیلی سریع پیش خواهیم رفت."

سازمان زنان السالوادور مثل سازمان زنان کوبا و نیکاراگوئه معتقد است که تنها راه رهایی زنان از طریق آزادی کشورشان میسر است. این جریان از طریق مبارزه روزانه علیه موانعی که سر راه مبارزه زنان در پروسه کار سیاسی وجود داشت، ایجاد شد. زیرا در این مبارزه احتیاج به سازمانی که برای حقوق تمامی زنان چه سازمان یافته و چه سازمان نیافته کار کند، بود.

سازمان زنان آمس در سال ۱۹۷۸، زمانی که بسیاری از سازمانهای انقلابی دیگر گسترش یافته و از لحاظ سیاسی مشخص شده بودند، ایجاد شد. در سال ۱۹۸۲، آمس در جزوه ای نوشت که: "بسه عنوان زنان فعال، ما می ترسیدیم که اگر به یکی از بزرگترین سازمانهای توده ای ملحق شویم، ما را به آشپزخانه، لباسشویی و یا نگهداری اطفال بفرستند. ما می خواستیم که مشخصاً با زنان کار کنیم..."

آمس، یک سازمان توده ای تلقی می شود. هدف آن شرکت دادن تمام زنان السالوادور، به جز زنان فاشیست، برای به دست آوردن اهداف زنان السالوادور است. "این نهضت، بالاتر از همه، خواستار آزادی مردم السالوادور است..."

در واقع، آمس رابطه نزدیکی با اف ام ال ان داشته و از طریق کار با زنان، قادر بوده که آنها را برای مبارزه سیاسی به کار گیرد. در السالوادور، سازمانهای زنان از این واقعیت که دولت برای

بقیه در صفحه ۷

زنان در جنبش السالوادور

بقیه از صفحه ۶

زندگی بشر ارزشی قائل نبوده و هیچ حقی به آنها نمی دهد، آگاه هستند. بنابراین، آنها نمی توانند بدون این که برای بهبود وضعیت اجتماعی کشور تلاش کنند، تنها برای بهبود وضعیت زنان کار کنند. آس وضعیت سیاسی را در پایتخت و در تمام شهرها، خطرناک توصیف می کند. این سازمان در ابعاد بین المللی تثبیت شده است و در شهر با خدمتکاران، فروشندگان بازار و دیگر زنان کارگر کار می کند. اما مهمترین وظیفه آنان این است که زنده بمانند. این خیلی مشکل است از آن جایی که آس سعی دارد نهضتی را در داخل یک دولت سرکوبگر پایه ریزی کند.

تا اواخر سال ۱۹۸۱، اکثریت تظاهرات مردمی با خشونت جوخه های مرگ و نیروهای امنیتی دولت خاموش شدند. بنابر گفته آس، زنانی که با آن سازمان کار می کردند، نمی توانستند از اسم آس در شهرها استفاده کنند. سازمانهای حقوق بشری از قبیل کمادرس (کمیته مادران زندانیان سیاسی، ناپدید شدگان و به قتل رسیدگان السالوادور) از جمع اولین گروههایی بودند که به طور علنی به تظاهرات پرداختند. کمادرس، اکثرا از زنانی که نوشتن و خواندن بلد نبوده و هرگز فعالیت سیاسی نکرده بودند، تشکیل شده است. این سازمان و دیگر سازمانهای مشابه، با دزدان زیاد مشغول گردآوری مدارک در مورد سوء استفاده از حقوق بشر شده اند. یک سازمان زنان فعال دیگر، اتحادیه زنان السالوادور برای آزادی (UMS) است. این سازمان، معتقد است که مرحله سرکوب زنان در السالوادور با مردان در آن کشور متفاوت است. در واقع سرکوب زنان بدتر است. برای مثال، یو ام اس، به این واقعیت اشاره می کند که ۸۰ درصد زنان السالوادور بی سواد هستند. در کشوری که اکثرا کشاورزی بوده و زنان در روستا هیچ دسترسی به تحصیلات ندارند، پیدا کردن کار مشکل تر است. بنابراین، بیکاری برای زنان از مردان بالاتر است. یو ام اس آنها را "شیوه های واقعی و حقیقی سرکوب زنان می نامد".

یو ام اس راه حل مشکل بالا را تنها از طریق شرکت فعال زنان در امر مبارزه می داند. به گفته لیندا فونتنس، نماینده یو ام اس در آمریکا، "ما دیگر از زمانی که تنها اشیاء پاسیوی بودیم، فاصله گرفته ایم. و به جای آن می گیریم که خود را به عنوان نمایندگان توانا برای تغییرات اجتماعی ببینیم. ما به تجربه خودمان به عنوان زن، بیشتر بهما می دهیم".

یو ام اس در مورد تعصبات مردانه خیلی حرف زده است. تجربه انقلابهای کوبا و نیکاراگوئه ثابت کرده که یک مرد، وقتی که نوبت به آزادی زن می رسد، علیرغم موضع انقلابی اش ممکن است که هنوز تعصباتی داشته باشد. به گفته فونتنس: "صریح بگویم، یک نوع انجماد فکری از طرف آنها وجود دارد. مردهایی وجود دارند که خیلی درگیر مبارزه بوده و بسیار سخت کار می کنند، اما هیچ زحمت این که زنها را به فعالیت تشویق کنند، به خود نداده اند". به نظر می رسد که یو ام اس از تجربیات نهضت‌های رهایی بخش کوبا و نیکاراگوئه در مورد تعصب مردانه آگاه است و نمی خواهد که اف ام ال آن مرتکب همان اشتباهات شود.

به علاوه، براساس همان تجربیات نهضت‌های گذشته، یو ام اس قصد دارد تا آنجا که می تواند کوشش کند تا موضوع آزادی زنان را به عقب نیندازد. در این پروسه، یو ام اس هیچ تضادی بین سعی در برآوردن نیازهای بسیار جدی کنونی زنان و

سازماندهی کردن آنها برای ورود بیشتر زنان به مبارزه مسلحانه نمی بیند. فونتنس مجددا تاکید می کند که "هیچ تضادی وجود ندارد، به خاطر این که ما پایه های آینده را می ریزیم. همان طور که هشیاری خود را به عنوان زن پرورش می دهیم، شرکت ما در انقلاب با معنی تر می شود. به عبارت دیگر، ما نمی خواهیم این پروسه را عقب بیندازیم، ما تحصیلات و توسعه زنان را به آینده موکول نمی کنیم. ما به اندازه کافی به عقب افتاده ایم".

شرکت زنان در سازمان اف ام ال ان

اف ام ال ان معتقد است که یک پروسه انقلابی را می توان با مشاهده درجه شرکت زنان در آن اندازه گرفت. غیر ممکن است بتوان از یک انقلاب واقعی صحبت کرد اگر زنان هم چنان در حاشیه و تحت ستم باشند. آناگودالوپه مارتینز مطرح کرده است که: "در یک انقلاب واقعی، زنان در تمام سطوح ارتقاء یافته اند... پروسه انقلابی که الان در کشور ما در حال توسعه است، حذف نابرابری اجتماعی را به عنوان یکی از اهدافش در نظر دارد. در نتیجه، برابری زنان در تمامی عرصه های جامعه از اهداف اولیه آن به شمار می آید".

زنان از شروع مبارزه اف ام ال ان، در تمامی سطوح آن شرکت داشته اند. در رهبری اولیه اف ام ال ان، دو زن شرکت داشتند. ملیدا آناپامونتس که به واسطه یک اختلاف درون سازمانی در سال ۱۹۸۳ به قتل رسید و آناگودالوپه مارتینز. ۴۰ درصد از اعضای شورای انقلابی و بدنه رهبری سیاسی - نظامی را زنان تشکیل می دهند. تخمین کنونی نشان می دهد که بیش از یک سوم نیروهای فعال اف ام ال ان را زنان تشکیل می دهند، منجمله یک گردان که در اوائل سال ۱۹۸۰ تشکیل شد تمام اعضای آن زن هستند.

اطلاعات بالا زمانی علنی شد که اف ام ال ان، خبرنگاران پرس لاتین را دعوت کرد تا در آخرین مرحله کنگره اخیر اف ام ال ان شرکت کنند. بسیاری از کسانی که در ششمین شورای انقلابی شرکت کردند، کادری با تجزیه، با ارزش، مسئول در تمامی مراحل کاری، سازمانی، ملیشیا، چریکی و سازمانهای توده ای بودند. خبرنگاران، در کمال تعجب دیدند بسیاری از اعضا شرکت کننده در نشست را زنان تشکیل می دادند. ماریومندز یک خبرنگار از پرس لاتین مطرح کرد: "درجه شرکت زنان در رهبری انقلابی جنگ مخصوصا با در نظر گرفتن تصویر سرکوب اجتماعی، که در مورد زنان کشور با فشار بیشتری صورت گرفته، تعجب انگیز است". بعد از مصاحبه با اعضای شورا، خبرنگاران و نویسندگان مطرح کردند که: "در کشوری که ۸۰ درصد اعضای خانواده از بین رفته اند، این نویسندگان قادر بود که به چشم خودش حضور تعیین کننده زنان را در فرماندهی مرکز کمیسیون ملی ارتش مشاهده کند".

مخالفت مردان با شرکت زنان در مقامهای رهبری

با این که شرکت زنان در نهضت آزادی بخش ملی فوق العاده است، اما بدون مشکلات نبوده است. به گفته خانم آروستا، یک زن خیاط ۳۵ ساله، که مسئول شاخه نیکاراگوئه ای آس است، "واقعیت این است که پذیرفته شدن زنان توسط مردان مشکلی است و این برای زنان یک مبارزه بوده است. بسیاری از زنان به ارتش خلقی پیوسته اند، اما. زنانی که به ارتش ملحق می شوند، خیلی باهوش، مترقی و بسیار با انگیزه می باشند و معمولا به سرعت رشد کرده و ارتقا پیدا می کنند. بسیاری رهبران دسته می شوند و آن جا ممکن است که با پس زدن جوخه های تمام مرد مواجه شد. زمانی،

مردان حاضر نمی شدند که تحت فرماندهی زنان قرار بگیرند، اما این چیزها عوض شده است." زنان علیه تعصب مردان مقاومت کرده و برای شرکت فعال در مبارزه انقلابی اصرار ورزیده اند. در حقیقت، نسبت زنان مبارز به میزان قابل ملاحظه ای زیاد شده است. کلارییل، یک زن فیلمساز که فیلمی در مورد زندگی زنان در مناطق تحت کنترل به نام "جاده به سوی آزادی" ساخته است، در یک مصاحبه می گوید که: "من مردانی را می شناختم که فقط مخالفت می ورزیدند، حداقل به نظرشان خیلی عجیب می آمد که به یک زن فرمانده نظامی که از لحاظ درجه بندی نظامی از آنها بالاتر بود سلام دهند. این اصلا برخلاف طبع آنها بود. برای همین، مردان فرمانده، مخصوصا جلوی سربازان خودشان به زنان فرمانده سلام می دادند تا برای آنها یک الگو شوند". این که چگونه زنان قادر شدند که علیه یک چنین تعصباتی برخیزند و در آزادسازی کشور و خودشان شرکت فعال کنند، قابل تحسین است. زنی توانسته به مقام رهبری عالی دست پیدا کند. این زن توانا نامش ملیدا آناپامونتس بود. او به طرز فجیعی در اثر درگیری داخلی اف ام ال ان به قتل رسید، بود. مسئول مرگ آناپا دومین نفر در رده فرماندهی اف ام ال ان و یک مرد بود.

چهره یک زن رهبر انقلابی

ملیدا آناپامونتس، یکی از محبوب ترین رهبران هم اف ام ال ان، و نهضت توده های السالوادور بود. داستان زندگی او از این لحاظ برجسته است که مشخص کننده پتانسیلها و توانایی زنان السالوادور برای کسب رهبری است. به علاوه، مرگ آناپا مونتنس، نشان دهنده عواقب تراژیک تعصب مردانه است.

مونتنس در روز ۱۷ می سال ۱۹۳۱ در شهر کوچکی نزدیک سان سالوادور به دنیا آمد. آناپا حرفه خود را به عنوان یک دبیر دبیرستان در محله روستایی چالانتانگو شروع کرد. به عنوان یک آموزگار، آناپا مونتنس با فعالیت اجتماعی آشنا شد. او پایه ریز اتحادیه ملی آموزگاران السالوادور، در سال ۱۹۶۵ که برای ۱۳ سال به عنوان دبیر کل آن فعالیت می کرد، بود. تحت رهبری آناپا مونتنس، این اتحادیه پروسه ای از تحولات سیاسی را طی کرد. آناپا مونتنس اعتصابهای وسیعی را که در سال ۱۹۶۷، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۱ برگزار شد، رهبری می کرد. تظاهرات ۱۹۷۱، به علت بی اعتنایی دولت به اعتصاب غذا در جلوی کاخ ریاست جمهوری توسط هشت مرد و یک زن که همان ملیدا آناپا مونتنس بود، برگزار شد. تمام ۹ نفری که در اعتصاب غذا شرکت کرده بودند، به طرز وحشیانه ای توسط پلیس کتک خوردند. چند سال بعد، در سال ۱۹۷۷، پلیس ملی آناپا مونتنس و دیگر آموزگاران در مقر اتحادیه دستگیر کرد. آنها تحت شکنجه فیزیکی و روحی قرار گرفتند تا این که نهایتا تحت فشار ملی و بین المللی، دولت مجبور به آزاد کردن آنها مونتنس شد. با آزادی او در سال ۱۹۷۸، آناپا مونتنس فعالیت زیرزمینی را با جبهه برای آزادی، اف پی ال شروع کرد. به خاطر ورزیدگی آناپا مونتنس به عنوان استراتژیست نظامی و سیاسی، او به مقام معاون رهبری در اف پی ال ارتقا پیدا کرد. او به شکل گرفتن و توسعه جنگ مردمی کمک کرد و به عنوان فرمانده اناماریا شهرت پیدا کرد. در سال ۱۹۸۰ او در کادر رهبری انقلابی متحد دی آر یو که پیشتاز اف ام ال ان بود، شرکت جست. کار خستگی ناپذیر او در داخل دی آر یو، باعث ایجاد وحدت در میان پنج سازمان سیاسی که خود بنای ایجاد اف ام ال ان را (کمی بعد در همان سال) پایه ریزی کرد، شد.

بقیه در صفحه ۱۲

چین شش سال پس از تیان آنمن

نویسنده: لی مین کی

منبع: مونته لی ریویو

تاریخ انتشار: ژانویه ۱۹۹۶

برگردان از علیرضا حمید

شش سال پیش و بلافاصله پس از سرکوب جنبش دموکراتیک در چین، تقریباً همه روشنفکران لیبرال چینی و هم‌تایان غربی آنها پیش بینی می کردند که هرگونه "اصلاح اقتصادی" در چین بدون "اصلاحات سیاسی" محکوم به شکست است. اما علیرغم این گونه پیش گوییها، دهها میلیارد دلار سرمایه خارجی بدون وقفه به اقتصاد چین سرازیر می شد. امروز، اما، تردیدی نیست که درک صاحبان سرمایه از اوضاع چین واقع بینانه تر از اندیشمندان لیبرال بوده است. در حقیقت اگر بخواهیم براساس پس آمدها به داوری بنشینیم، باید اذعان کنیم که پیروزی ارتش در سرکوب نمایشهای تیان آنمن و سپس در تهاجم به طبقه کارگر چین، راه رشد سرمایه داری را بیش از پیش هموار نمود.

اصلاحات، رخدادهای سال ۱۹۸۹ و سرمایه داری

گرچه انقلاب سوسیالیستی چین، نهایتاً در ایجاد جامعه سوسیالیستی موفق نبوده است. اما بازگرداندن چین به دوران پیش از انقلاب ۱۹۴۹ نیز امکان پذیر نیست. جمهوری خلق چین محصول یک انقلاب سوسیالیستی بود. طبقه کارگر چین از حقوق اجتماعی وسیعی نظیر حق اشتغال، حق مسکن تقریباً رایگان و حق استفاده از بهداشت رایگان بهره جست، حقوقی که برای کارگران در جوامع سرمایه داری غیر قابل تصور است.

در جامعه سرمایه داری، کارگران در فرایند تولید شرکت دارند. زیرا که مجبورند. تولید سرمایه داری بر یک رشته از مکانیسمهای اجبار و اضطراب استوار است. برای نمونه، مکانیسم بیکاری نقش ضروری را در حفظ "بازدهی" اقتصاد سرمایه داری ایفا نموده و رفاه اجتماعی می باید در حد و مرزهای "منطقی" محدود شود و گرنه کارگران "تنبل" خواهند شد.

حق اشتغال و دیگر حقوق اجتماعی که طبقه کارگر در چین انقلابی از آنها سود می جست صرفاً یک سری از مزایای مادی نبوده، بلکه تاثیر مهمی نیز بر روابط تولید داشتند. این حقوق اجتماعی مبین درجانی از کنترل کارگران در فرایند تولید است. حقی که به مراتب با اهمیت تر از "حقوق شهروندی" در زندگی بسیاری از مردم است. برای مارکسیستها، حق اشتغال به خودی خود نمی تواند منجر به "تاکارایی" گردد. بلکه بر عکس توانمندی تولیدی کارگران زمانی تماماً آزاد خواهد شد که آنها واقعاً مهار فرایند تولید را در دست داشته باشند. به راستی در دوره مانوئیستها، چین از کارنامه اقتصادی تحسین برانگیزی برخوردار بود.

نرخ رشد متوسط سالانه تولید ناخالص ملی و نیروی کار در چین مانوئیست در مقایسه با کشورهای دیگر

تولید ناخالص ملی	نیروی کار	نیروی کار
۱۹۶۰ - ۱۹۷۸	۱۹۶۰ - ۱۹۷۰	۱۹۷۰ - ۱۹۸۰
۶/۱	۱/۷	۱/۹
۳/۶	۱/۷	۱/۹
۵/۷	۲/۰	۲/۴
۳/۲	۱/۲	۱/۱
۶/۰	۲/۴	۲/۸

منبع: بانک جهانی، گزارش توسعه جهان، سال ۱۹۸۰

در جدول فوق به آسانی می توان مشاهده نمود که نرخ رشد اقتصادی چین نه تنها از کشورهای توسعه یافته بیشتر بوده، بلکه حتی در مقایسه با کشورهای در حال رشد نیز از نرخ نسبتاً بیشتری برخوردار بود. در عین حال، اثبات این نکته چندان سخت نخواهد بود که، چین از نقطه نظر نرخ بالاتر رشد تولیدگری کار، از بازدهی پویایی برخوردار بوده است. (بر خلاف نظریه کسانی که معتقدند که رشد بالای اقتصادی چین به ازای بازدهی پایین به دست آمده است).

این موفقیت تنها مادامی دست یافتنی بود که چین یک کشور انقلابی باقی ماند. اما با شکست انقلاب فرهنگی (که به ویژه بعد از ۱۹۶۹ از رمق افتاد)، انقلاب چین از رشد باز ایستاد. طبقه حاکم تحکیم مواضع خویش را آغاز نمود. اما مادامی که طبقه کارگر از حق اشتغال برخوردار بود، قدرت طبقه حاکم در برداشت ارزش اضافه محدودتر می شد. از نقطه نظر طبقه حاکم، این مشکل تنها با ادامه مکانیسمهای

اقتصاد سرمایه داری، یعنی در نهایت زیر پا نهادن چنین حتی برای طبقه کارگر قابل حل می باشد. مبارزه بر سر حق اشتغال در مرکز به اصطلاح "اصلاح اقتصادی" واقع شده است. جدال میان بازار و برنامه ریزی، در حقیقت بیان آکادمیک این جدال واقعی بود. این دومی، البته، نه بر روی کاغذ بلکه در میدان نبرد نیروهای مادی شکل گرفت. رخدادهای سال ۱۹۸۹ اوج این نبردها بود. در همین سال بود که طبقه کارگر چین نیز، هم چون طبقه کارگر اروپای شرقی، موفق به تثبیت خویش به عنوان یک نیروی سیاسی خودآگاه و مستقل نشد. کارگران چینی، در مقیاس وسیع، توسط روشنفکران لیبرال و حول برنامه برای آزادیهای سیاسی، که منافع مستقل طبقاتیشان را انکار می نمود، بسیج شده بودند. به هر حال کوتاهی طبقه کارگر چین در ظهورش به مثابه یک نیروی سیاسی مستقل و خودآگاه، به هیچوجه بدین معنا نیست که دیگر طبقه کارگر یک تهدید حتمی و واقعی برای توسعه سرمایه داری نیست. این تهدید خود را به شکل جدال میان روشنفکران لیبرال درست پیش از رخدادهای ۱۹۸۹ به نمایش گذاشت.

در این جدال تعداد قابل توجهی از روشنفکران لیبرال به "قدرت طلبی جدید" تمایل نشان دادند. ادعای آنانی که چنین گرایش داشتند این بود که فرایند نوسازی، بی تردید، هرج و مرج و آشوبهای اجتماعی را به دنبال خواهد داشت، که موجودیت پروژه نوسازی را به خطر خواهد افکند. بنابراین، دموکراسی بهترین سیستم سیاسی در دوره نوسازی نبوده، بلکه به نوعی از سیستم استبدادی نیاز است که دارای رهبری ای نرمش پذیر بوده و در عین حال قادر به اعمال قهر و زور نیز باشد. به زبانی ساده تر، توسعه سرمایه داری، نهایتاً با مقاومت و مخالفت کارگران و زحمتکشانش مواجه می شود، مخالفتی که به نوبه خود می بایستی با توسل به زور، سرکوب گردد و گرنه توسعه سرمایه داری به شکست می انجامد. در حقیقت این "دموکراتهای" خود خوانده موافقت نمودند که مبارزه شان برای حقوق دموکراتیک، نباید در نظم اجتماعی ای که بر مسیر رسیدن به سرمایه داری به وجود آمده است، خرابکاری نماید. دقیقاً در همین راستا بود که در آخرین دقایق و هنگامی که دولت به شدیدترین وجهی دست به سرکوب زد، از فواحان برای قیام عمومی صرف نظر شد.

آری، دموکراسی سرکوب شد، اما سرمایه داری نجات یافت. پس از تشنه های اولیه میان طبقه حاکم و روشنفکران، طرفین به سرعت بر سر یک برنامه اجتماعی به توافق رسیدند. طبقه حاکم برخی از امتیازات اجتماعی - اقتصادی را به روشنفکران واگذار نمود و وعده داد تا با ایجاد نوعی از تکنوکراسی، روشنفکران بتوانند سهم بیشتری را در تصمیم گیریهای سیاسی داشته باشند. (۱) در مقابل، قشر روشنفکران متعهد گردید تا از "اصلاحات" و مبارزه علیه حق اشتغال پشتیبانی نماید. در نتیجه نفوذ سیاسی اپوزیسیون لیبرال (که روشنفکران تنها پایه های اجتماعی اش را تشکیل می دادند) به سرعت از میان رفت.

در نبود یک رهبری سیاسی، بعید به نظر می رسد که خشم و عصیان طبقه کارگر به یک قیام ملی بدل گردد. چین از ثبات سیاسی که محیط مناسبی را برای سرمایه گذاری فراهم می آورد، برخوردار است. انباشت سرمایه داری نیز به سرعت به پیش رفته است. نرخ رشد اقتصادی چین طی سه سال گذشته ۱۲/۷ درصد (۱۹۹۲)، ۱۳/۴ درصد (۱۹۹۳) و ۱۱/۸ درصد (۱۹۹۴) بوده است. در حقیقت از نظر توسعه اقتصادی، چین بقیه کشورها را پشت سر گذاشته است.

سرمایه داری در چین و

حق اشتغال

آمار در زمینه رشد اقتصادی، نه داده هایی را در مورد ویژگیهای کیفی سرمایه داری چین در اختیار می گذارند و نه الگوهای درازمدت توسعه سرمایه داری را معین می کنند.

طبقه کارگر چین از یک شکست سیاسی آسیب دیده است، اما "مسئله" حق اشتغال هنوز به طور کامل حل نشده است. در سال ۱۹۹۲ طبقه حاکم برای این که یک بار و برای همیشه این مسئله را از پیش پا بردارد، موج جدیدی از "اصلاحات" را به راه انداخت. اما با مقاومت شدیدی از سوی طبقه کارگر مواجه گردید. کارگران به خشونت روی آوردند و در پاره ای موارد حتی به کشتن مدیران و رؤسایشان نیز دست زدند. طبقه حاکم به علت ترس از فرجام کار، دست به عقب نشینی زد.

سرمایه داری چین تاکنون توانسته است که از پس "تجمیل" حفظ کارخانه های دولتی برآید. (۲) بعد از اصلاحات کشاورزی، دهقانان به عنوان کارگران آزاد، رها گشتند. در اوایل دهه هشتاد، چین از اضافه نیروی کاری معادل صد میلیون نفر در مناطق روستایی برخوردار بود. با بقیه در صفحه ۹

چین شش سال پس از تیان آنمن

بقیه از صفحه ۸

اتکا به چنین ارتش ذخیره ای از کارگران بود که چین با ایجاد "بنگاههای روستایی" و خصوصی و با وارد ساختن سرمایه خارجی، توانست به توسعه سرمایه داری دست زند. بی تردید بدون حضور این چنین "اضافه" نیروی کار، طبقه حاکم چین می بایست پیش از هرگونه پیشروی در مسیر سرمایه داری، جنگ علیه طبقه کارگر را سامان می داد. امری که به هیچ وجه ساده نیست. این ویژگی طبقاتی است (که بیخشا بازتاب عقب ماندگی نیروهای تولیدگر در چین است) که به سرمایه داری چین فرصت می دهد تا به جای فلج شدن و از کار افتادگی، آن چنان که در اروپای شرقی و شوروی سابق روی داده است، رونق یابد.

در هر حال پس از شانزده سال توسعه سرمایه داری، هنوز بخش دولتی نقش کلیدی و غیر قابل انکاری را در اقتصاد چین ایفا می نماید. ژانگ یوکای (Zhang Youcai) معاون وزارت دارای چین می گوید که: "بنگاههای دولتی، به ویژه کارخانه های بزرگ و متوسط به طور عمده عرضه کننده انرژی، خدمات حمل و نقل مواد خام مهم و ابزار و آلات تکنولوژیک هستند. در سال ۱۹۹۳ ارزش مالی ۸۰۰۰۰ بنگاه صنعتی در مالکیت دولت، جمعا معادل ۶۶ درصد کل ارزش بنگاههایی بود که یا کاملا خصوصی و یا کاملا دولتی بودند. شصت درصد کل درآمد دولت از محل این بنگاهها بوده است. در مقایسه با اشکال دیگر، بنگاههای دولتی نقش رهبری را در صنایع کلیدی و بخشهای استراتژیک در دست دارند و از نظر تکنولوژیکی، مجهزتر از سایر بنگاهها هستند. این بنگاهها هم چنین در بخش پژوهش و توسعه نیز قویترند. بنگاههای دولتی، از نظر بهره وری کم نیز، از برتری غیر قابل قیاسی برخوردارند."

بدین قرار، مادامی که طبقه حاکم، قادر به حل مسئله اش در بخش دولتی اقتصاد، یعنی حق اشتغال، که هنوز در این بخش هم چنان دایر است، نیست، بالطبع قادر به استثمار بخش بزرگی از مولدترین کارگران نخواهد بود. در نتیجه برای بنگاههای دولتی انباشت طبیعی سرمایه داری به طور نرمال میسر نیست. در اوایل دهه ۹۰، تقریبا یک سوم کل بنگاههای دولتی آشکارا زیان داشتند، در حالی که یک سوم دیگر، گر چه آشکارا زیان نداشتند، اما تنخواه گردان استهلاک آنها برای باز سرمایه گذاری کافی نبود. این بدان معنا است که بخش بزرگی از بنگاههای دولتی اگر برای انباشت سرمایه داری به حال خویش رها شوند، در دراز مدت پایدار نخواهند بود. با توجه به اهمیت انکارناپذیر بخش دولتی در اقتصاد، این مسئله موانعی جدی را در آینده بر سر راه انباشت سرمایه داری چین ایجاد خواهد نمود. حال این که آیا سرمایه داری چین قادر به حل این مسئله خواهد بود، سؤالی است که اکنون نمی توان بدان پاسخ گفت.

دولت، ناحیه گرایبی و توسعه وابسته

در عصر جدید، وجود یک دولت قوی و کارآمد همانند کره جنوبی، تایوان و سنگاپور، طبیعتا برای توسعه موفقیت آمیز سرمایه داری، نیازی غیر قابل انکار است. هر کدام از این کشورها توسعه اقتصادی را بر مبنایی بسیار متمرکز و با دخالت مؤثر دولتی بنا نمودند. این مسئله نه تنها از آن حیث حائز اهمیت است که همکاری دولتی نقش مهمی را در بهبود بازدهی اقتصاد کلان ایفا

می نماید، بلکه هم چنین از آن رو که دستیابی به توسعه صنعتی مستقل و رهایی از وابستگی به تکنولوژی و سرمایه خارجی برای یک کشور در حال توسعه تنها با دخالت فعال دولت میسر خواهد بود. از این روی، بررسی ویژه گیهای دولت چین، و دریافت این که چگونه بر الگوی توسعه سرمایه داری در چین تاثیر گذاشته، امری ضروری است. پیش از "اصلاحات" کنترل اقتصاد تماما در دست دولت بود. در سال ۱۹۸۷ بنگاههای دولتی ۷۷/۶ درصد از محصولات ناخالص صنعتی را تولید می کردند. در حالی که این رقم در سال ۱۹۹۲ تنها به ۴۴/۱ درصد بالغ می شد. از سوی دیگر، سهم "بنگاههای اشتراکی" (که بیشتر شامل "بنگاههای روستایی" است) ۳۸ درصد و بنگاههای خصوصی ۱۳/۹ درصد بود.

در نبود یک رهبری سیاسی، بعید به نظر می رسد که خشم و عصبان طبقه کارگر به یک قیام ملی بدل گردد. چین از ثبات سیاسی که محیط مناسبی را برای سرمایه گذاری فراهم می آورد، برخوردار است. انباشت سرمایه داری نیز به سرعت به پیش رفته است

توسعه سرمایه داری و نیمه سرمایه داری بنگاهها بر اساس "اضافه" نیروی کاری است که در نواحی روستایی وجود داشت. و ما آن را پرولتاریای نوین چین می نامیم. پرولتاریای نوین چین در مقایسه با پرولتاریای بنگاههای دولتی، از سطح پایین تری از خودآگاهی برخوردار بوده و در عین حال نیز بدان اندازه مبارز نیست. برای این پرولتاریای نوین، ابتدایی ترین حقوق مدنی نیز، که روشنفکران "اصلاح طلب" آن چنان سنگش را به سینه می زنند، تضمین نشده است تا چه رسد به حقوق سوسیالیستی شان از جمله حق اشتغال. از دیدگاه سرمایه داری، البته آن سیستم اقتصادی "کارآمد" است که از برکت چنین نیروی کاری برخوردار باشد.

به دلیل خصلت مکانیسم بازار، بنگاههای سرمایه داری و نیمه سرمایه داری عمدتا در ثروتمندترین استانهای چین متمرکز شده اند. منافع اقتصادی این شرکتها الزاما با توسعه ملی سرمایه داری همخوانی ندارد. از این رو برای حفظ منافع خاص خویش، این شرکتها به نوعی از قدرت سیاسی نیاز پیدا می کنند. دولتهای ایالتی در مقایسه با دولت مرکزی به دلیل منافع مشترک بیشتری که با این گونه شرکتها دارند، قادر به حمایت سیاسی مؤثرتری از آنها هستند. یکی از پی آمدهای تمرکز بنگاههای سرمایه داری و نیمه سرمایه داری در چند ایالت، تحکیم موقعیت این ایالتها در مقابل دولت مرکزی است. هم زمان بسیاری از کمپانیهای بوروکراتیک - وابسته توانستند در دوره "اصلاحات" در ایالتهای ساحلی، رونقی به دست آورند. بسیاری از اعضا طبقه حاکم از برکت وجود این کمپانیها به ثروتهای افسانه ای دست یافتند. در نتیجه اتحادی که میان دولتهای ایالتی، بنگاههای سرمایه داری و نیمه سرمایه داری و کمپانیهای بوروکراتیک - وابسته شکل گرفته است، به سرعت توازن قوا میان دولت مرکزی و دولتهای ایالتی را بر هم می زند. به استثناء بنگاههای دولتی، سقوط سهم هزینه های دولت در تولید ناخالص ملی از ۱۴/۵ درصد در سال ۱۹۸۷ به ۷/۱ درصد در سال ۱۹۹۲ و همچنین تنزل سهم سرمایه گذاری دولتی در کل سرمایه گذاریها از ۱۶ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۴/۳ درصد در سال ۱۹۹۲، همگی نشان دهنده تضعیف دولت مرکزی است. بالطبع توانایی دولت در امر هماهنگ سازی

رسانه های بین المللی

توسعه اقتصادی به شدت تضعیف گشته که این امر به نوبه خود و از چند راه بر توسعه سرمایه داری چین تاثیر گذاشته است:

- بدون یک برنامه ریزی کارآمد، بنگاههای سرمایه داری و نیمه سرمایه داری و دولتهای ایالتی به سرمایه گذاریهای کورکورانه ای دست می زنند که نتیجه اش در بخش هایی از صنایع به شکل تولیدات فوق گنجایش بارز می گردد (برای نمونه، ۴۹ درصد از کل تولیدات یخچال، ۲۶/۹ درصد از تولیدات ماشین لباسشویی و ۵۲/۲ درصد از تولیدات کولر، فوق گنجایش محسوب می شوند).

- دولت پول کافی برای سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی را، که لازمه هرگونه توسعه اقتصادی است، نداشته و می باید که در این زمینه چشم به سرمایه خارجی بدوزد.

- گرایش بنگاههای سرمایه داری و نیمه سرمایه داری و دولتهای منطقه ای، به جای توسعه تواناییهای تکنولوژیکی بومی چین، بیشتر به سرمایه گذاری در بخشهای کاربر و صنایع مصرفی است، که براساس تکنولوژیهای وارداتی و خدمات سرمایه خارجی بنا می شوند، بی تردید بدون منابع مالی، دولت مرکزی نمی تواند قدم مؤثری برای بهبود اوضاع بردارد. سهم هزینه های تحقیق و توسعه در تولید ناخالص ملی چین تنها ۰/۵ درصد است، در حالی که این رقم برای کشورهای در حال توسعه به طور متوسط یک تا دو درصد و برای کشورهای توسعه یافته در حدود ۲/۶ درصد است. (۸) بنابراین، چین از توسعه تواناییهای تکنولوژیک بومی خویش محروم می ماند و توسعه اقتصادی چین هرچه بیشتر به سرمایه و تکنولوژی خارجی وابسته می شود.

الگوی توسعه وابسته را می توان به بهترین وجهی در صنعت رایانه نشان داد:

چین درصدد است که... به عرضه کننده عمده رایانه شخصی (PC) و وسایل جنبی آن، از قبیل چاپگر، صفحه نمایش و مدارهای الکترونیکی، در بازارهای داخلی و جهانی بدل شود. برابر صادرات انبوه این گونه کالاها، ارزی است که به چین امکان می دهد تا سیستمهای پیشرفته تری را که برای تداوم رشد صنعت رایانه نیازمند وارد سازد.

اما تولید در زمینه این گونه محصولات نیز خود به واردات تراشه (chip) نیاز دارد. توانایی چین در تولید مدارهای یک پارچه (IC) به شدت پایین بوده و تنها محدود به مدارهایی می شود که در کالاهای مصرفی، از قبیل تلویزیون و یخچال به کار می روند. بنابراین، چین می باید تمام مدارهای یکپارچه مورد نیازش را برای تولید رایانه وارد نماید. اگر چه چین در پی ساختمان زیربنای لازم برای تولید داخلی مدارهای یکپارچه است، اما محدودیتهای بین المللی که توسط کمیته هماهنگ کننده کنترل بر صادرات چند ملیتی (COCOM) اعمال می شود، مانع از دستیابی چین به این تکنولوژی که برای تولید مدارهای یکپارچه پیچیده تر لازم می باشد، است. (۹)

مقامهای چینی اعتراف کردند که تکنولوژی مدارهای یکپارچه در چین حداقل پانزده سال از تراز جهانی عقب تر است. در حالی که انتظار می رود که تولیدات مدارهای یکپارچه به یک میلیارد واحد در سال ۲۰۰۰ برسد، تقاضای داخلی به دو تا سه میلیارد واحد بالغ خواهد شد، که این دو به معنای نیاز برای واردات یک تا دو میلیارد واحد است.

در واقع چین در مقیاس وسیعی از توسعه وابسته زیان دیده است. در بازرگانی میان چین و کشورهای پیشرفته چین کالاهایی را عرضه می کند که این کشورها با هزینه ای گرانتر قادر به تولیدشان هستند. در عوض، چین نیاز به خرید کالاهایی دارد (تکنولوژی پیشرفته و کالاهای سرمایه ای) که به

چین شش سال پس از تیان آنمن

بقیه از صفحه ۹

هیچوجه خود قادر به تولیدشان نیست. کالاهایی که چین ناچار است تا به هر قیمتی که از جانب کشورهای پیشرفته درخواست می شود گردن نهد. توسعه وابسته، به دلایل گوناگون، تداوم طولانی مدت رشد سرمایه داری چین را به زیر سوال می برد. در این جا تنها به اساسی ترین نکات پیرامون شرایطی که چین بر اساس آنها در بازار جهانی شرکت می جوید، خواهیم پرداخت. نخست این که، تنها به دلیل دسترسی به نیروی کار ارزان است که چین قادر به تولید برخی کالاها با هزینه ای ارزانتر نسبت به کشورهای پیشرفته است. اما در درازمدت و با پیشرفتهای تکنولوژیک، هزینه نیروی کار، سهم کم و کمتری را در مجموع هزینه تولید دارا خواهد بود. این مسئله حتی برای صنایع کاربر امروز نیز صادق است. نتیجتاً تولید کالا به قیمتی ارزانتر از کشورهای پیشرفته به طور فزاینده ای برای چین مشکل خواهد بود.

دوم، اگر شرایط اقتصاد جهانی دستخوش تحولات ناخوشایندی برای چین گردند (که در درازمدت چندان دور از انتظار نیست)، با کاهش ارز حاصل از صادرات، چین قدرت خریدش را برای تکنولوژی و کالاهای سرمایه ای، که خود قادر به تولیدشان نیست، از دست خواهد داد؛ که در این صورت می باید به بازار جهانی پول مراجعه نماید (دیون خارجی چین، مرز صد میلیارد دلار را در سال ۱۹۹۴ در نوردید) و احتمالاً وارد چرخه کثیف وابستگی به وام گردد که افول اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

روندهای نو در مبارزه طبقاتی

در حقیقت "رفرم" در چین دارای دو بخش مجزا ولی وابسته به هم است؛ "رفرم" شهری و "رفرم" روستایی. در ابتدا "رفرم" روستایی مردم پسند به نظر رسید. این رفرم در اوایل دهه هشتاد برای طبقه حاکم پایگاه مهم سیاسی - اجتماعی ایجاد نمود. از این جاست که می توان به دلایل اتخاذ مواضع بی طرفانه از سوی دهقانان - یعنی اکثریت مردم چین - در قبال دوره بحرانی سال ۱۹۸۹ پی برد. در هر حال "رفرم" روستایی چیزی بیش از بازگردانی اقتصاد خرده مالکی، که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی، تحت تاثیر بخش مدرن شهری قرار می گیرد، نیست. بنابراین، اهمیت نهایی "رفرم" روستایی به خودش وابسته نبوده، بلکه به طبیعت "رفرم" شهری وابسته است.

بعد از سال ۱۹۸۴ بود که "معجزه" کشاورزی رنگ باخت. در حالی که اقتصاد سرمایه داری شهری با بالاترین نرخ جهانی رشد نمود، سطح زندگی دهقانان واقعاً راکد ماند. در تبلیغات رسمی با بوق و کرنا اعلام می شود که در پرتو رفرم، دهقانان از وابستگی به زمین رها شده اند. آری، میلیونها دهقان دریافته اند که آزاد شده اند تا به صفوف بیکاران بپیوندند. اگر چه، بر طبق گزارشات، ۱۲۰ میلیون نفر از کارگران "اضافه" طی پانزده سال اخیر جذب بنگاههای روستایی شده اند، اما در مجموع تعداد کارگران "اضافه" اکنون به ۱۷۰ میلیون نفر می رسد. این ارتش ذخیره از کارگران است که نقشی حیاتی را در ایجاد یک نیروی کار ارزان و مطیع ایفاء می نماید، نیروی کاری که اساس رونق سرمایه داری چین است.

تضاد میان شهر و روستا به دلیل مدل مکانی انباشت سرمایه داری چین عمیقتر می گردد، به دنبال تضعیف دولت مرکزی، اکنون این دولتهای

ایالتی هستند که نقش عمده را در انباشت سرمایه داری ایفا می کنند. رقابت دولتهای ایالتی دقیقاً به همان شکل رقابت میان سرمایه داران است. تنها آن چه که آنها را از رقابتهای متداول سرمایه داری متمایز می سازد این است که، آنها می توانند با بستن مالیات بر دهقانان به افزایش پول در سرمایه گذاریها کمک کنند. نتیجه این رقابت، فشار روزافزون بر دهقانان است که در برخی موارد آنها را به شورش کشانیده است.

از سوی دیگر، صنایع دولتی و حق اشتغال، هم چنان به عنوان دو مانع اصلی در برابر انباشت سرمایه داری چین قرار دارند، طبقه حاکم تهاجم جدیدی را علیه طبقه کارگر طراحی می کند. پیش بینی می شود که رقم بیکاران از ۴/۸ میلیون نفر به ۲۱ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ بالغ خواهد شد. این مسئله بی تردید سرآغاز دور جدیدی از مبارزه طبقاتی در چین خواهد بود.

در عصر جدید، وجود یک دولت قوی و کارآمد همانند کره جنوبی، تایوان و سنگاپور، طبیعتاً برای توسعه موفقیت آمیز سرمایه داری، نیازی غیر قابل انکار است. هر کدام از این کشورها توسعه اقتصادیشان را بر مبنایی بسیار متمرکز و با دخالت مؤثر دولتی بنا نمودند.

گر چه در حال حاضر روشنفکران لیبرال تا حد زیادی بی ارج گشته اند، اما تلاش می کنند تا بلکه بتوانند از وضعیت موجود سود جویند، یوان هانگبینگ که در دانشگاه پکن درس می داد و صاحب تئوری فلسفی "قهرمان پرستی" است. به همراه برخی دیگر از روشنفکران و دانش آموزان، سعی در ایجاد به اصطلاح "اتحادیه برای پشتیبانی از حقوق کارگران" نموده است. سعی این عده بر آن بود تا نوعی از جنبش مستقل اتحادیه ای به راه بیندازد که تنها به درخواست برای حقوق مدنی، بوژوایی و معیارهای رفرومیستی، که برای "سلامت" اقتصاد بازار ضروری است، محدود بماند. اما برای انجام مقصودشان دست به کاری کاملاً غیر واقع بینانه زدند. آنها به نزد مقامهای دولتی رفته و اطلاع دادند که سازمانی را برای دفاع از حقوق کارگران تاسیس نموده اند و خواهان آن هستند که دولت آن را به رسمیت بشناسد. البته جای تعجب نیست که همگی بلافاصله دستگیر شدند.

این روشنفکران لیبرال نیز، هم چون همتایانشان در سال ۱۹۸۹، بر اصل "قانونیت" پای فشردند. تاکید بر این اصل تنها ناشی از عدم درکشان از اوضاع اجتماعی نیست. برای این آقایان "قانونیت" چیزی فراتر از ابزاری برای مبارزه است. در وراء "اصل قانونیت" ایدئولوژی "حکومت قانون" نهفته است، که حقوق مدنی را از حقوق اقتصادی و اجتماعی متمایز می سازد. و نه تنها در بردارنده "آزادی" رسمی است، بلکه در عین حال خواهان "ثبات اجتماعی" نیز می باشد، مبارزه ای که به اصل "قانونیت" محدود شده باشد، به راحتی قابل کنترل است. این ایدئولوژی با کاهش سطح مبارزه کارگران به روندهای حقوقی بورژوازی عمل خودجوشی و پیشگامی خلق را نفی نموده و آنها را در دست نخبگانی رها می سازد که به خوبی می دانند که چگونه دست در قانون برده و روندهای قانونی را به خوبی می شناسند.

واقعیت این است که روشنفکران لیبرال از مبارزه طبقاتی هراس دارند. اخیراً مشتی از "مخالفتین" یک پیشنهاد ضد فساد به کنگره خلق فرستادند. در واقع نیز از جمله تلاشهای روشنفکران لیبرال برای مخاطب قرار دادن مردم عادی بود. در دهه هشتاد

نیز، برای درخواست اصلاحات عمیقتر و سریعتر، عین همین شیوه به کار گرفته شده بود. حال دیگر آن پیشنهادهای پیشین مؤثر نیستند. بدین دلیل در پیشنهاد مزبور آمده که راه غلبه بر فساد در جدایی قوای دولتی، قوه قضایی مستقل و سیستم چند حزبی نهفته است.

در این جا هدفم به هیچ روی پرداختن به ابتذال موجود در ایدئولوژی بورژوایی نیست، اما در این مورد کارکردش به شکل عریانی نمایان شده است. هنگامی که کارگران چینی نبرد سختی را برای حفظ آن چه که از میراث انقلابی به جای مانده در پیش روی دارند، به ناگهان این روشنفکران لیبرال مدعی می شوند که فساد بزرگترین مشکل چین است. این دسته از روشنفکران، که در ضمن خود را تنها جایگزین سیاسی "رژیم کمونیست" می دانند، با تشبث به چنین مسئله ای، در واقع درصدند تا مبارزه طبقاتی را از برنامه سیاسی حذف کنند.

شکست نهضت دموکراتیک در سال ۱۹۸۹ اثبات نمود که روشنفکران لیبرال چینی فاقد هرگونه صلاحیتی برای رهبری جنبش دموکراتیک چین هستند. دنباله روی از اینان برای طبقه کارگر چین، دستاوردی جز انقیاد نخواهد داشت. کارگران چینی می باید خود را از سلطه ایدئولوژیک طبقه حاکم و روشنفکران لیبرال رها سازند و نیروی سیاسی واقعا مستقلی را تشکیل دهند؛ یعنی بسک نیروی سوسیالیست انقلابی. آری بدین معناست که سرنوشت دموکراسی و سوسیالیسم در چین به هم گره خورده است.

زیرنویسها:

- ۱- گر چه اسماً حقوق روشنفکران زیادتر از حقوق کارگران نیست، اما آنها معمولاً صاحب خانه های بزرگتر بوده و با نوشتن و یا فروش حق امتیاز، قادر به کسب درآمد بیشتر می باشند. آنها می توانند با کمپانیهای خارجی و یا خصوصی برای مزد بیشتر کار کنند و شانشان برای رفتن به خارج و کسب ارز خارجی نیز بیشتر است.
- ۲- بنگاههای دولتی چین، بنگاههایی نیمه بوروکراتیک - نیمه سرمایه داری هستند که طبقه کارگر شاغل در آنها از حقوق سوسیالیستی بهره مند است. در واقع این بنگاهها میدان مبارزه ای هستند که در آن، نیروهای متخاصم، کم و بیش در تعادل به سر می برند.

3- People's Daily, 20 April 1995

4- Year Book on Chinese Communism, 1994, pp, 10-144

5- On the alliance of provincial government, capitalist and semicapitalist enterprises and bureaucratic - comprador companies, see Gerald Segal, China Changes Shape: Regionalism and Foreign Policy (London: Brassey's for International Institute for Strategic Studies, 1994).

6- Year Book on Chinese Communism, 1994, pp, 10 - 113, 132.

7- People's Daily, 23 March 1995.

8- Ibid, 10 March 1995.

9- Saiman Hui and Hilary B. McKown, "China Computes" The China Business Review 5, no 20, p.17.

10- Shen Zhou Shi Bao, 17 March 1995.

رهبری زنان، راه حل بنیادگرایی

— سعید کیوان

سوسیالیستی از قبیل کم شدن فاصله طبقاتی، دموکراسی طبقه کارگر، پیشرفت تکنولوژی، اقتصادی بارور و رفاه و... می تواند جامعه را در آستانه ورود به مرحله سوسیالیسم قرار دهد.

۵- بر اساس موارد بالا می توان ادعا کرد که بحث لازم و ملزوم بودن آزادی زن و جامعه دموکراتیک یا مثلا سوسیالیسم و عدالت، منتفی است. از نظر من به کار بردن مثال مرغ و تخم مرغ در مورد آزادی زن و سوسیالیسم یا عدالت، ظفره رفتن از موضوع و به تعویق انداختن پروسه پیشرفت جامعه است. این که گفته شود زن آزاد نیست مگر آن که جامعه به مرحله دموکراتیسم سوسیالیستی برسد و یا این که سوسیالیسم محقق نمی شود مگر آن که زن آزاد شده باشد، کلاف سردرگمی برای تاحیر در راهیابی زنان آگاه به قدرت و در نهایت سپردن سکان به دست آنان است. هر تاخیری در حرکت و راهیابی زنان به ارگانهای هدایت کننده جامعه؛ به ارتجاع فرصت بیشتری برای عرض اندام می دهد و بنابراین مسیر تاریخی رسیدن به سوسیالیسم را دورتر می کند.

۶- جامعه و مردم چرا نباید در برابر دشمنان تاریخی خود که قصد به عقب کشاندنشان را دارند، از مؤثرترین سلاحشان استفاده کند. فرض کنید که به تانکی در صحنه عملیات حمله می کنید. این بی عقلی خواهد بود که آر پی جی را کنار گذاشته و مثلا از تیربار استفاده کنید (حال نمی گویم تپانچه که به مردان بر بخورد). در نظر بیاورید که آخوند واقعا از جنبش مسلحانه ای که زنان آن را رهبری کند بیشتر واهمه خواهند داشت یا مردان؟

۷- با توجه به موارد بالا باید بر این اصل تاکید کنم که مقصود از بیان این نظرات جایگزینی صرف مسئله جنسیت بر تمام قوانین مارکسیسم - لنینیسم نیست. با اعتقاد بر تمامی اصول علمی مارکسیسم و کارایی آن در جوامع مختلف، باید گفت که مسائل جامعه ما و جوامع مشابه از دو یا سه دهه پیش تا کنون تغییر کرده است. اگر رفیق کبیر بیژن جزئی به درستی دیکتاتوری شاه را معضل اساسی جامعه در زمانی که جنبش مسلحانه انقلابی و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به وجود آمد، معرفی کرد، اکنون علاوه بر اشتراک این رژیم در خصلت دیکتاتوری با رژیم شاه، مسائلی جدید هم فرا روی ما قرار گرفته است. زنده شدن لجن و تفنن هزاران ساله مدفون در جامعه و روی آمدن آن که ریشه ای واقعی در کشور ما داشته است مسائل جدیدی را در مقابل جنبش ترقیخواهانه قرار داده است. از قضا همین ارتجاع عامل سرکوبی و تحقیر و فشار هزاران ساله بر زنان نیز بوده است. بنابراین علاوه بر به کارگیری قوانین سوسیالیسم علمی در مبارزه برای ترقی و پیشرفت، زنان مترقی، برنامه دار، آگاه و چپ، می توانند این تضاد تاریخی را بهتر و سریعتر با درجه تضمین بیشتری برای تحقق دموکراسی به پیش برند و به سرانجام رسانند. حرکتی که از بیخ کنده شدن ریشه بنیادگرایی مذهبی و ارتجاع اولین گامهای آن است. ممکن است گفته شود که موارد طرح شده برنامه ای صرفا فمینیستی است و ربطی به مارکسیسم ندارد. اما از آن جایی که رهجوی که مارکسیسم را نه یک شریعت جامد بلکه رهنمون عمل می بینم، معتقدم که موارد یاد شده کاملا مارکسیستی است و پاسخی به نیازهای واقعی دوران و شرایط کنونی است.

در بررسی تبعیض مثبت و سپردن رهبری و ارکان جامعه به زنان توسط خود جامعه، نکاتی ضروری و مهم قابل ذکر است.

۱- رهبری زنان در ارکان مختلف جامعه اعم از سیاسی و اجتماعی نباید فقط توسط یک یا چند حزب یا حتی یک دولت انقلابی اعمال شود بلکه این رهبری باید از طریق نهادهای مختلف و سازمانهای مستقل زنان هم انجام گیرد. همان طور که در بحث مسائل کارگری هم اعمال نظارت طبقه کارگر بر تولید صرفا از طریق احزاب قدرتمند یا حتی دولت انقلابی و مردمی کافی نیست و شرایط باید برای نظارت مستقیم و غیر مستقیم نهادهای کارگری از قبیل شورا، سندیکا یا اتحادیه، جدا از احزاب و دولت مهیا شود.

۲- حضور زنان در ارگانهای رهبری بدون برنامه های مترقی و رادیکال جوابگوی مسائل نیست. منظور از به دست گیری سکان جامعه توسط زنان قطعاً هدف دار بودن و سمت گیری سوسیالیستی جامعه است. مثال مشخص در مورد جهت گیری حقوق زنان، برنامه شورای ملی مقاومت در باره زنان و حتی از آن بهتر مواردی است که خانم رجوی در میتینگ بزرگ لندن بیان کرده است که می تواند مبانی برنامه ای مترقی باشد که اجرا و هدایت آن توسط زنان، قدمهایی مطمئن برای شروع حمله به فرهنگ ارتجاعی مردسالارانه خواهد بود.

۳- این مسئولیت خبیر در دوران کنونی نتیجه منطقی هزاران سال فشار همه جانبه فرهنگ مردسالارانه بر زنان بوده است. رژیم جمهوری اسلامی اولین و اصلی ترین آماجهای خود را فشار بر زنان قرار داده بود و هم چنان می دهد. در همین راستا هر تحولی در ایران انفجار عظیم انرژی زنان را به همراه خواهد داشت: این جامعه است که در صورت آگاهی می تواند از این انرژی منفجر شده استفاده کرده و برای همیشه از شر بنیادگرایی و ارتجاع خلاصی یابد، به شرطی که بتواند اصلی ترین دشمن ارتجاع یعنی زن مترقی را در مسئولیت تاریخی قرار دهد.

۴- ستمی که بر زن به طور عام و بر زن ایرانی به طور خاص رفته از یک سو و مسائل پیش روی جامعه ایران و جوامع مشابه از سوی دیگر، تئوری سابقا مترقی مشارکت مساوی زنان با مردان در رهبری جامعه را پشت سر گذاشته است. دیگر مشارکت تعداد برابر زنان با مردان تساوی به حساب نمی آید. این توازن را باید با پیشینه تاریخ مردسالارانه با هم جمع زد. آن وقت است که با توجه به نقش تاریخی زن در برابر ارتجاع در دوران کنونی و پیدا کردن اساس و توازن واقعی، جامعه با بالارفتن زن رای خواهد داد. در آن وقت است که زن بنا به نقش تاریخی یعنی ریشه کن کردن خصم خود و در نتیجه خصم جامعه و انسان مترقی به موجودی درجه یک در کارزار آینده مبدل می شود. بحث بر سر جایگزین شدن ستم زنانه به جای ستم مردانه نیست، بلکه موضوع عدم تساوی در مقوله انسان است. ما می توانیم ادعا کنیم که در دوران سوسیالیسم انسانها برابرد اما تا پیش از آن با توجه به پیشینه ستم جنسی هرگونه صحبت از برابری جنسی در صورت حضور تعداد برابر، غیر واقعی است. زمانی این برابری تحقق می یابد که در جریان حرکت جامعه به جلو یعنی در جریان یک تحول، زنان چهار پله یکی به بالا صعود کنند و این عدم توازن تاریخی را جبران کنند. آن گاه است که این برابری در کنار آمادگی دیگر عناصر جامعه

" به این موجودات جاه طلب، به این طبایع سرکش مجال دهید و آن گاه بنشینید و منتظر باشید که حدودی برای خیره سری قایل شوند... مگر اینها آزادی می خواهند؟ نه، بلکه می خواهند از همه حیث بی افسار باشند... آنها را با ما همدوش کنید و ببینید که دیری نمی کشد که برگرد ما خواهند نشست."

کاتو (۲۳۴ - ۱۴۹ قبل از میلاد)

در دو شماره گذشته نبرد خلق (مرداد و شهریور) در قسمت دیدگاهها بحثهای جالبی در مورد تبعیض مثبت مطرح شد. در این مورد من هم نظر دارم و از آن جایی که مدتهاست بر روی این مسئله کار می کنم، دیدم بد نیست که اصلی ترین سرفصلهای نظرات را به طور خلاصه مطرح کنم تا در فرصتی دیگر مطلبی جامع با فاکتورهای متعدد ارائه دهم. اما از آن جا که فکر می کنم نه تنها این موضوع یکی از کلیدی ترین و اساسی ترین مسائل جنبش کنونی ایران است، بلکه کلید به ثمر رسیدن تحولات دموکراتیک جامعه تا سرفصل مرحله سوسیالیسم خواهد بود. امیدوارم همه رفقا، اعضای تشکیلات، هواداران و خوانندگان نبردخلق فعالانه در این بحثها شرکت کنند و نظراتشان را بیان کنند. جای خوشحالی است که صفحه دیدگاههای نبردخلق جایگاه واقعی خود را یافته و امیدوارم ستون دیدگاهها بتواند یکی از کانالهای پیشرفت این بحثهای مهم و اساسی در سطح جنبش گردد. طرح موضوع از دیدگاه من:

از آن جایی که در طول تاریخ همیشه هدف اول ارتجاع و بنیادگرایی مذهبی و دینی زنان بوده اند، بنابراین بزرگترین و اصلی ترین تضمین برای راهیابی از شر بنیادگرایی، رهبری زنان در تمامی شئون جامعه است. اگر بنیادگرایی و زنان خصم یکدیگرند و در جامعه ای که بنیادگرایان و مرتجعان دست به قدرت می یابند، اولین اقدامات خود را بر مبنای محدود کردن زنان پایه ریزی می کنند، بنابراین اولین نتیجه منطقی به قدرت رسیدن زنان نیز محدود شدن و در نهایت ریشه کن شدن ارتجاع در جامعه است. اگر نخواهیم برای تمامی جهان قانونی جهانشمول ارائه دهیم، لاقبل برای منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی رهبری زنان تنها راه حل نه فقط برای محدود کردن ارتجاع و افکار کهنه و پوشیده بلکه برای ریشه کن کردن بنیادگرایان اسلامی داریوی بی بدیل خواهد بود. اغراق نیست اگر گفته شود در هر حکومتی که مردان اکثریت را دارند درجاتی از ارتجاع را به خاطر تاریخ و فرهنگ مردسالارانه با خود حمل می کنند و همیشه حفظ و تسلط این عنصر مردانه و منافعش در هر برنامه ای به اندازه های گوناگون موجود است. اوضاع منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی به عقیده من این راه حل برای تمامی جوامع صدق می کند، ولی برای ملموس بودن بحث، تنها به این منطقه اشاره می کنم) در یکی دو دهه اخیر نشان داده که در آستانه قرن بیست و یکم پدیده هایی متعلق به چند قرن پیش گریبانگیر مردم این جوامع شده است و تمامی تجویزهای ناسیونالیستی، ملی و غیره در برابر این موج تزویر، کهنه اندیشی و سراپا آلوده به لجن که به شکل مذهبی خود را می نمایند، ناتوان گشته است. حتی کشورهای مسانند ترکیه که مثلا ناسیونالیسم و لائیتیسیم در قانون اساسی آن دهها سال قدمت دارد میروند که مقهور این موج شوم سیاه و ضد انسانی شود.

رهبری زنان، راه حل بنیادگرایی

بقیه از صفحه ۱۱

مسئله فرهنگ مردسالارانه به عنوان زیربنای ارتجاع در تمامی اشکال آن، بسیار جدی است. باید به دقت در خود بنگریم. این فرهنگ مردانه، رقیق یا غلیظ، ریشه ای قوی در جامعه ما دارد و همین اولیه ترین شرایط زیستی برای به وجود آمدن و تولید مثل تفکر و موجودیت ارتجاعی را فراهم می کند. اگر مردم ایران دیدگاهی تبعیض آمیز نسبت به زن را به درجات مختلف در آستانه قیام در خود نداشتند، خمینی نمی توانست به این سادگی بر امواج سوار شود و دمار از روزگار مرد و زن ایرانی درآورد. این مسئله ای مربوط به گذشته به حساب نیایم و قائله را ختم شده ندانیم. هم اکنون و در پیرامون خود می توانیم شاهد نمونه هایی از تمثیلات درونی مردانه باشیم. انتلکتوالها و روشنفکرانی را می توان دید که با ادعای چپ اگر همسرشان بخواهد کار سیاسی کند یا در جریان یک جنبش فمینیستی قرار گیرند، مستقیماً "تاموس" خود را مورد حمله و خطر را در بیخ گوش خود و در اندرونی ترین زوایای اطاق خواب جستجو می کنند. بنابراین اینان به هر وسیله ای مانع سرکشی زن به دنیای پیرامون می شوند. همین نخبگان فرهنگ چپ و مدعیان حقوق زن البته از کانال مردانه در بسیاری اوقات آرزو می کنند که همسرشان را به جای کشورهای غربی می توانستند در ایران تنبیه کنند. آن گاه داد و فریادها و سختگیریهای مالی جای خود را به سنگی برای سنگسار کردن می داد. به صرف اعتقاد به چپ نمی توان خود را رها شده از فرهنگ ارتجاعی مردگرایانه که در آن به دنیا می آیم، شستشوی مغزی می شویم و زندگی می کنیم، بدانیم. این فرهنگ و سیستم مسلط و جا افتاده و قوی باید در هم شکسته شود. این روند در هم شکسته شدن فقط و فقط از طریق خود زنان، ابتدا زنان آگاه و انقلابی و سپس امواج بیکران تمامی زنان می تواند به پیش رود. علاوه بر تلاش خود زنان برای تسخیر این دژها مردان آگاه نیز باید به عنوان ستون پنجمی مؤثر درهای دژ را از درون برای پیشقراولان زنان بکشایند و نقش اسب تروا را در این روند ایفا کنند. حتی اگر در پشت در، در اثر هجوم افراد تازه وارد لگد مال شوند، باید آگاهانه منافع و جایگاه خود را با وجود صلاحیتهای مقطعی بسیار از دست بدهیم. به اعتقاد من در این مسیر تشکیلات ما نیز باید از پیشگامان باشد. باید راه زنان را در هر سطح تشکیلاتی که هستند، اعم از عضو، کاندید عضو و یا هوادار به بالا و ارگانهای رهبری و هدایت کننده باز کرد. اگر چه تاکنون باز بوده اما باید با پذیرش ریسک در این مسیر عجله و اغراق کرد. این اغراق و تعجیل را باید در دنیای پیرامون خود نیز دامن زد. نرمها را باید در پیرامون خود شکست. نرمهای ارتجاعی را باید خورد کرد، حتی اگر در پشت به اصطلاح حریم مقدس خانواده سنگر گرفته باشد. آن گاه ببینید که جنبش مسلحانه انقلابی علیه رژیم ملایان با چه شتابی به پیش خواهد رفت و از آن مهمتر این انرژی آزاد شده به جای راه انارشی در فردای تحول، راه نظم و سازندگی را در پیش خواهد گرفت. بگذاریم کابوس "کاتو" و "کاتو"های دیگر که در آستانه هزاره سوم بعد از میلاد هم کم نیستند، تحقق یابد. بی شک رهبری زنان نسبه از گرده فرهنگ مردسالارانه و ارتجاعی خواهد کشید. □

فراخوان

ما جمعی از دوستان و پیوستگان حسینی نوری دهکردی، از دیگر دوستان و آشنایان او می خواهیم تا اگر عکسی، نوشته ای، خاطره ای، نامه ای یا کاردستی از او به یادگار دارند، با ما تماس بگیرند تا این یادها و خاطره ها را در مجموعه ای گرد آوریم.

انگیزه ما از چاپ این مجموعه معرفی نظرات سیاسی نوری دهکردی یا تبلیغ آن نیست. می خواهیم زندگی و اندیشه انسانی ازاده را که به خاطر نگرش و رفتارهای سیاسی اش جان باخت، در یادها زنده نگهداریم. نمی خواهیم آیندگان تنها شمار قربانیان نامدار یا گمنام ترورهای برون مرزی حکومت اسلامی را در ذهن ثبت کنند، می خواهیم چهره ای در کنار عدد بشناسیم.

شهره بدیمی - نسرین بصیری - مازیار دهکردی - میهن روستا - امیر مویری

Internationale Liga fur Menschen rechte
"Nuri"
Mommssen str. 27
10629 Berlin - Germany

زنان در جنبش السالوادور

بقیه از صفحه ۷

در طول این مدت، آنایا مونتس وقت کافی پیدا کرده و چند کتاب منجمله دو کتاب در مورد تاریخچه نهضت آموزگاران السالوادور و دو جلد کتاب تحت عنوان "تجربه ویتنام در جنگ برای آزادی" به رشته تحریر درآورد.

در روز ۶ آوریل ۱۹۸۳، آنایا مونتس در نیکاراگوئه به طرز فجیعی به قتل رسید. بعد از بررسیهای طولانی، اف پی ال بیانیه ای صادر نمود که در آن مسئولیت نهایی برای این جنایت را بر دوش فرمانده کل خود، سالوادور کابینو کارپو قرار داد. قتل آنایا مونتس در نتیجه درگیریهای درونی بر سر جهت گیری سیاسی و رهبری اف پی ال بود. کارپو، بعد از این واقعه خودکشی کرد. اف پی ال در حالی که برای "فقدان جبران ناپذیر و فراموش نشدنی" آنایا مونتس سوگواری می کرد، فروپاشی اخلاقی و سیاسی سردی را که محبوب ترین رهبر آنان بود را محکوم کرد.

این اختلاف که باعث قتل تراژیک آنایا مونتس شد در اثر اختلاف عقیده بین کارپو و آنایا مونتس در مورد جهت گیری آینده اف ام ال ان بود. آنایا مونتس برای توانایی هایش در امر رهبری بسیار شناخته شده بود. به علاوه، ثابت کرده بود که یک استراتژیست بسیار عالی نیز است. اما کارپو که شدیداً مخالف برنامه ریزیهای آنایا مونتس بود به جای بحث کمر به قتل او بست. هم چنین گفته شده است که به خاطر تواناییهای رهبری آنایا مونتس، او کاندیدای فرماندهی کل اف ام ال ان بوده است. □

بازرسی بیمه ای از کارگاههای زنان توسط زنان

کلیه مؤسسات، کارگاهها و مدارس غیر انتفاعی دخترانه که کاملاً توسط بانوان اداره می شوند، از این پس توسط زنان بازرسی سازمان تامین اجتماعی مورد بازرسی بیمه ای قرار خواهند گرفت.

به گزارش روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی، برای رعایت شئون اسلامی و با بهره جویی از بانوان همکار در سازمان نسبت به بازرسی بیمه ای این گونه مراکز اقدام می شود و بازرسان مرد مجاز به بازرسی از کارگاههای یاد شده نیستند. □

زن روز ۱۷ شهریور ۱۳۷۵

اخبار کردستان -

رادیو صدای کردستان ایران در برنامه ۳/شهریور ۷۵ خود اعلام داشت که: "جمهوری اسلامی ایران به دنبال شکست تهاجم مسلحانه اواخر ماه ژوئیه ۱۹۹۶ میلادی (۷ مرداد ۷۵) به قرارگاههای حزب دموکرات کردستان ایران و کمپهای پناهندگان کرد ایرانی، در صدد تکرار تهاجم وحشیانه خویش برآمده و در چند روز گذشته نیروهای جدیدی را وارد خاک کردستان عراق نموده است. جمهوری اسلامی با استفاده از زمینه مساعدی که در نتیجه شعله ور شدن آتش جنگ داخلی در کردستان عراق برایش فراهم شده است، مصمم است یک بار دیگر آوارگان کرد ایرانی و قرارگاههای حزب دموکرات کردستان ایران را در همه جا مورد یورش مسلحانه قرار دهد و نقشه جنایتکارانه ماه گذشته خود را که در به ثمر رساندن آن ناکام مانده بود، مجدداً به مرحله اجرا درآورد. لذا بدین وسیله از کلیه هموطنان، از مردم سراسر کردستان و به ویژه مردم کردستان عراق، از سازمانهای ایرانی و از محافل و مجامع بین المللی خواستاریم که از هر طریق ممکن بر جمهوری اسلامی فشار آورند و رژیم جنایتکار اسلامی را از ارتکاب این عمل وحشیانه باز دارند.

اطلاعیه

با ابراز تاسف و تأثر عمیق به اطلاع می رساند که ساعت ۶/۴۵ صبح روز ۳/شهریور ۷۵ رفیق پیشمرگ رحیم چنگلی در مقر ارتباطات حزب در شهر اربیل به هنگام نگهبانی از طرف تروریستهای جمهوری اسلامی با قناسه به وی تیراندازی می کنند و شهید می شود... شهادت این پیشمرگ فداکار حزبمان بار دیگر به اثبات می رساند که جمهوری تروریست پرور ایران بدون در نظر گرفتن قانون و سنتهای بین المللی، کردستان عراق را به جولانگاه تروریستی خود تبدیل کرده و هر روز جایی و هر بار به شیوه ای، دلسوزان حزب و خلق را ترور می کنند. آشکار است که جنگ داخلی نیروهای عمده کردستان عراق دست تروریستهای رژیم را بیشتر از همیشه باز نموده است. لازم به یادآوری است که تروریستهای جمهوری اسلامی روز ۷۵/۴/۲۹ در مقر حزب در شهر اربیل رفیق پیشمرگ بهمن فرهی را به شهادت رساندند. ما در حالی که از اعماق قلبمان از این جنایت ابراز انزجار میکنیم و به خانواده و هم سنگران این شهید تسلیت میکنیم از کار به دستان حکومت در منطقه می خواهیم که در برابر این جنایت دست روی دست نگذارند و برای ریشه کن کردن اعمال تروریستی در کردستان عراق کوششی جدی بنمایند و جنایتکاران را شناسایی کنند. باشد که روزی فرمان خلق و انقلاب در باره شان به اجرا درآید.

کمیسیون تشکیلات حزب دموکرات کردستان ایران -
رهبری انقلابی ۳/شهریور ۷۵
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این جنایت رژیم آخوندی، شهادت کاک رحیم چنگلی و کاک بهمن فرهی را به خانواده آنها و رفقایاش تسلیت می گوید.

شهادت یک پیشمرگ در اشنویه

یکی دیگر از پیشمرگان حزب در جریان درگیری روز ۱۰ مرداد به نام ادریس رسولی فرزند حسین اهل شهر اشنویه به شهادت رسیده است. لازم به ذکر است که به دلیل جنگلی بودن محل درگیری در روز ۱۰ مرداد که منجر به کشته شدن دهها نفر از مزدوران رژیم و شهادت چهار پیشمرگه حزبمان گردید، نتوانستیم همان زمان خبر دقیق از سرنوشت ادریس رسولی بدست آوریم. پس از تحقیقات دقیق مشخص گردید که ادریس پس از شجاعت بی نظیر در این جنگ حماسی، جان خود را فدیه خلق محرومش کرده است.

رادیو صدای کردستان ایران ۷/شهریور ۷۵

نیروی انسانی در صنعت

م - حبیبی

در مجموع کارمندان مشمول و غیر مشمول استخدام کشوری، دکترا فقط ۱/۷ درصد، فوق لیسانس ۱/۸ درصد و لیسانس ۱۷/۹ درصد را شامل می شود. که این ضریب برای نیروی کار، ضریب بسیار پایینی است.

توزیع درصد کارکنان کارگاههای صنعتی بر حسب وضعیت سواد، سطح تحصیلات و نوع فعالیت

سال و فعالیت	با سواد	بیسواد	دوره ابتدایی	پایان دوره ابتدایی	راهنمیه و متوسطه	پایان دوره متوسطه	فوق دیپلم و لیسانس
۱۳۶۷	۷۷/۶	۲۲/۴	۳۸/۴	۲۸/۱	۱۹/۱	۱۱/۷	۲/۴
۱۳۶۸	۸۱/۶	۱۸/۴	۳۸/۴	۲۷/۱	۱۹/۲	۱۲/۲	۲/۵
۱۳۶۹	۸۳/۵	۱۶/۵	۳۶/۴	۲۷/۵	۲۱/۰	۱۲/۲	۲/۶
غذایی، آشامیدنیها و دخانیات	۷۵/۰	۲۵/۰	۴۱/۹	۲۹/۶	۱۷/۵	۸/۹	۱/۹
نساجیه، پوشاک و چرم	۸۳/۶	۱۶/۴	۴۲/۹	۲۹/۳	۱۸/۷	۷/۷	۱/۳
چوب و محصولات چوبی	۸۲/۹	۱۷/۱	۳۷/۷	۲۸/۲	۲۲/۳	۱۰/۶	۱/۱
کاغذ و مقوا، چاپ و انتشار	۹۵/۰	۵/۰	۲۳/۱	۲۵/۳	۲۷/۶	۲۰/۶	۲/۹
شیمیایی، نفت، زغال سنگ، لاستیک و پلاستیک	۹۰/۹	۹/۱	۲۸/۳	۲۲/۴	۲۱/۵	۲۰/۶	۶/۰
محصولات کانی غیر فلزی به جز نفت و زغال سنگ	۶۹/۲	۳۰/۸	۴۶/۳	۲۵/۷	۱۳/۸	۱۱/۱	۲/۶
فلزات اساسی	۹۴/۷	۵/۳	۳۰/۹	۲۲/۷	۲۰/۹	۲۰/۲	۴/۸
ماشین آلات، تجهیزات، ابزار فلزی	۹۲/۳	۷/۷	۲۵/۸	۲۷/۲	۲۷/۳	۱۵/۲	۳/۸
متفرقه	۹۲/۵	۷/۵	۱۸/۸	۲۲/۱	۲۲/۸	۲۲/۸	۲/۵

جدول شماره ۳ ماخذ - مرکز آمار ایران ۱۳۶۹

به علت فقدان آمار جدید از نظر تفکیک بخشهای مختلف بررسی آمار مربوط به بخشهای نه گانه صنعت براساس آمار سال ۱۳۶۹ مرکز آمار ایران به شرح زیر است.

در سال ۱۳۶۹ از مجموع شاغلان در صنعت ۸۳/۵ درصد را افراد با سواد تشکیل می دهند که از این تعداد فقط ۲/۶ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس هستند و مابقی به ترتیب عبارتند از: ۳۶/۴ درصد دوره ابتدایی، ۲۷/۵ درصد پایان دوره ابتدایی، ۲۱ درصد راهنمایی و متوسطه و ۱۲/۲ درصد پایان دوره متوسطه را شامل می شود. با توجه به نقش سرمایه انسانی در رشد و توسعه اقتصاد صنعتی این ضریب، ضریب بسیار پایینی محسوب می شود.

در بین بخشهای نه گانه صنعت نیز در همین سال، صنایع محصولات کانی غیر فلزی به جز نفت و زغال سنگ با ۳۰/۸ درصد نیروی کار بی سواد و ۲/۶ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس از نظر کیفیت نیروی کار در آخرین رده قرار دارد.

صنایع تولید فلزات اساسی با ۵/۳ درصد نیروی کار بی سواد و ۴/۸ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس از نظر کیفیت نیروی در مقام اول قرار دارند.

همان طور که قبلا هم اشاره شد استفاده از معیار سطح تحصیلات به عنوان شاخص سرمایه انسانی فقط خطوط کلی و تقریبی را در ارزیابی نیروی کار مشخص می کنند. برای ارزیابیهای دقیقتر نیاز به اطلاعات تکنیکی تری است که فعلا فاقد آن هستیم.

با وجود کلی و تقریبی بودن این آمار، ضعف علمی و کمبود کادراهای متخصص در نظام صنعتی ایران مشهود است. بخصوص در عرصه آموزش نیروی کار در حین خدمت و تامین کادراهای مجرب که از مسئولیتهای مراکز آموزش عالی است، ضعف اساسی مشاهده می شود.

مراکز آموزش عالی که از واحدهای جنبی نظام صنعتی هر کشور محسوب می شود در امر تربیت نیروی ماهر و متخصص نقشی اساسی بازی می کنند. ولی به علت پایین بودن کیفیت آموزشی این مراکز در ایران عملا نقش چندانی در تربیت این گونه کادرها ندارند.

گذشته از کیفیت پایین آموزش، کمیت دانشجویان و استادان مراکز آموزش عالی نیز با هیچ فرم جهانی مطابقت ندارد. معاون وزیر فرهنگ در باره تعداد دانشجویان می گوید: "تعداد کل دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات

بقیه در صفحه ۱۴

ارتقای دانش نیروی کار و توسعه سرمایه انسانی یکی از موضوعات با اهمیت در فرآیند توسعه صنعتی محسوب می شود. پیشرفتهای صنعتی و اقتصادی به گونه ای ارگانیک در ارتباط و با توسعه سرمایه های انسانی است، که این نیز جز با آموزش و پرورش نیروهای ماهر میسر نمی شود.

در بسیاری از کشورهای پیشرفته آموزش نیروی انسانی ماهر در حین کار و در عین حال تربیت آنها از طریق نهادهای مرتبط با نظام صنعتی، نظیر هنرستانهای فنی و مراکز آموزش عالی، جایگاه خاصی دارند و این مسئله نیز نه به عنوان یک اقدام فصلی و مقطعی، بلکه در چارچوب یک برنامه ریزی بلند مدت اقتصاد صنعتی به صورت امری رایج درآمده است. کلیه نیروهایی که از مراکز آموزش عالی مرتبط با نظام صنعتی فارغ التحصیل می شوند. از قبل جایگاه آنها در نظام صنعتی و اقتصادی، مشخص و بلافاصله جذب بازار کار می شوند.

نیروی انسانی در ایران

در شرایطی که سرعت و شتاب تغییرات تکنولوژیک به قدری است که نهادهای آموزشی، توان پاسخگویی به این تغییرات را ندارند تربیت نیروی انسانی در ایران هم عرض تحولات تکنولوژیک پیش ترفته است. به علت فقدان آمار و اطلاعات لازم در مورد سطح مهارت شاغلان در بخشهای مختلف که شاخص مناسبی برای ارزیابی نیروی انسانی است در آمار زیر، از میزان سواد شاغلان به عنوان شاخص خام تشکیل سرمایه انسانی استفاده شده است. استفاده از چنین شاخصی به درستی نمی تواند مهارت نیروی کار را توضیح دهد. چرا خیل فارغ التحصیلانی که وارد بازار کار می شوند عمدتا فاقد تجربه کاری هستند.

براساس آمار سال ۱۳۷۲ (جدولهای ۱ و ۲) حجم زیادی از نیروی کار دولت در وزارت خانه ها و مؤسسات وابسته به دولت دارای مدارک تحصیلی کمتر از دیپلم و فوق دیپلم هستند. مشمول قانون استخدام کشوری بر حسب مدرک تحصیلی

کارکنان غیر مشمول قانون استخدام کشوری

مدرک	درصد
دکترا	۰/۲
فوق لیسانس	۰/۸
لیسانس	۶/۷
فوق دیپلم	۵/۵
دیپلم	۴۴/۸
کمتر از دیپلم	۴۲/۰

جدول شماره ۱

کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری

مدرک تحصیلی	درصد
دکترا	۱/۵
فوق لیسانس	۱/۰
فوق دیپلم	۲۲/۹
لیسانس	۱۱/۲
دیپلم	۴۱/۳
کمتر از دیپلم	۲۲/۱

جدول شماره ۲

پناهندگان

ترکیه —

دامه اعتراض و تحصن پناهجویان در ترکیه

به گفته یک سازمان ایرانی، عملیات اعتراضی و تحصن پناهجویان ایرانی در ترکیه هم چنان ادامه دارد. کمیته دفاع از پناهجویان ایرانی در ترکیه با انتشار بیانیه‌ی بی در هامبورگ اعلام داشت که پلیس ترکیه حدود شش هفته پیش در پایان مهلت سه ماهه اقامت اولیه پناهجویان ایرانی که تعداد آنها ۹۰ نفر است، به محل تحصن آنان وارد شد و همگی را بازداشت کرد، ولی به دنبال عملیات اعتراضی در سطح جهانی پناهجویان آزاد گردیدند و به شش شهر کوچک انتقال یافتند که در آن جا نیز به تحصن خود ادامه می دهند. در ادامه این بیانیه آمده است که حتی کمیساریای عالی پناهندگان در آنکارا تائید کرده که باز گردانیدن پناهجویان به ایران خطرناک است و هیچ تضمینی برای آنان وجود ندارد. کمیساریا تویه می کند که پناهجویان ایرانی به کشور سوم انتقال یابند ولی خود حاضر به پذیرفتن مسئولیت آن نمی باشد.

رادیو اسرائیل ۳۱/شهریور/۷۵

هلند —

جان ۲۱ پناهجو در خطر است

بنیاد دموکراسی برای ایران در بیانیه جداگانه ای از ناپدید شدن بیست تن از بهائیان ایران و یک نوجوان مسلمان خبر داد که ۲۶ روز پیش پس از آن که از ترکیه تقاضای پناهندگی کردند، توسط پلیس مرزی آن کشور اخراج شدند. یک روز پس از ورود این ۲۱ نفر به آنکارا، مراتب به آگاهی کمیساریای عالی پناهندگی وایسته به سازمان ملل رسید. آخرین باری که این افراد دیده شدند، ۲۶ روز پیش و هنگامی بود که آنها در حمایت پلیس مرزی ترکیه با یک اتومبیل به سوی شهر مرزی ماکو در داخل ایران به حرکت درآمدند. بنیاد دموکراسی برای ایران از مؤسسات بین المللی و کشورها و گروهها خواستار گردید برای آگاهی از سرنوشت این ۲۱ تن هرچه زودتر اقدام کنند.

رادیو اسرائیل ۱۲/شهریور/۷۵

خطر مرگ جان یک پناهجوی ایرانی را تهدید می کند

یک پناهجوی ۲۷ ساله ایرانی در اعتراض به جواب دریافتی از دادگستری هلند و حکم اخراج صادره در اعتصاب غذا به سر میبرد. بنا به گزارش روزنامه هلندی Trouw امیر مظلوم برهان پس از دریافت حکم اخراج در تاریخ ۱۷ مه ۹۶ از سوی پلیس جهت اخراج به ایران به زندان تیلبورخ منتقل و از ترس بازگشت به ایران در اعتصاب غذا به سر می برد. حال وی وخیم گزارش شده و تاکنون به جهت بی هوشی و اغماز دو بار در بیمارستان بستری گردیده است. اما دادگستری با شروع مجدد پروسه پناهندگی اش موافقت ننموده است. بنا به گزارش V.V.N ماموران اداره مهاجرت او را به سفارت ایران جهت دریافت برگ عبور برده اند که پناهجوی

مذکور از خود مقاومت نشان داده و مدتی نیز در زندان مجرد نگهداری شده است. جامعه پناهندگان ایرانی مقیم هلند و انجمن فرهنگی نبرد با ارسال اطلاعاتی های متعدد برای عفو بین الملل و UNHCR خواهان رسیدگی مجدد به پرونده پناهندگی امیر مظلوم برهان شده و از وخامت حال وی ابراز نگرانی نموده اند.

تلاش یک وکیل مرتقی

انجمن فرهنگی نبرد در پاسخ به گزارش وزارت امور خارجه هلند از سوی یک وکیل مرتقی و فعال هلندی به عنوان یک سند اعتراضی به (Nationale Ombudsman) بالاترین مرجع رسیدگی به شکایات در هلند، ارسال گردید. آقای P.B.P.H.M. Bogaers وکیل فعال در امور پناهندگی در نامه مورخ ۱۲ اگوست ۹۶ خود خطاب به Nationale Ombudsman اعلام داشته که گزارش تهیه شده توسط انجمن فرهنگی نبرد حکایت از این دارد که گزارش وزارت امور خارجه مستند نبوده و انجمن فرهنگی نبرد اوضاع حقوق بشر در ایران را به خوبی تحت نظر دارد.

آقای Bogaers هم چنین طی مکاتبات مکرر خود با بخشهای مختلف دادگستری با استناد به گزارشات بین المللی و شرایط حقوق بشر در ایران سعی دارد از پرونده پناهجویان ایرانی به نحو مثبتی دفاع کند.

انجمن فرهنگی نبرد با ستایش از فعالیتهای تحسین برانگیز آقای Bogaers همچنان به دفاع از حق پناهندگی ایرانیان ادامه می دهد.

گزارش جدید

وزارت امور خارجه هلند در پی اعتراض عفو بین الملل و V.V.N نسبت به گزارش اول ماه مه ۹۶ مجدداً گزارش دیگری در تاریخ ۳۰ جولای ۹۶ برای قائم مقام وزارت دادگستری ارسال نمود. در گزارش اصلاحی جدید نیز علاوه بر این که پاسخی به گزارش مستند عفو بین الملل و V.V.N داده نشده و فاقد پایه های حقوقی است حاوی تناقضاتی با گزارش اولیه است.

کشته شدن دو مهاجر ایرانی

دو مهاجر ایرانی هنگام تلاش برای عبور غیر قانونی از مرز میان ترکیه و یونان در یک میدان مین گذاری کشته شده و دو تن دیگر زخمی گردیدند. خبرگزاری فرانسه ۲۱/ شهریور ۷۵

انتشار شماره ۵ بهار ایران

شماره تابستان بهار ایران، نشریه کانون پناهندگان ایرانی - هلند، با مطالب متنوعی انتشار یافته است. مقاله اول این نشریه در باره "مبارزه برای ارتقاء فرهنگ، احترام به عقاید و طرحهای دیگران" نوشته الف - آینده است. مروری بر روند مبارزاتی خلق فلسطین، از تاریخ بیاموزیم، به سوی دموکراسی، اخبار، شعر و... از دیگر مطالب این شماره بهار ایران است.

نیروی انسانی در صنعت

بقیه از صفحه ۱۳

آموزش عالی دولتی و غیر دولتی بیش از ۸۵۸ هزار نفر است و اگر به این تعداد دانشجویان دوره های معادل را نیز اضافه کنیم تعداد کل دانشجویان کشور به یک میلیون و ۳۸ هزار نفر می رسد. در حالی که در سال ۱۳۵۷ تعداد کل دانشجویان کشور ۱۷۵ هزار نفر بود. (اطلاعات ۲۶ بهمن ۷۲)

به گفته همین فرد تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ۱۰ هزار نفر است. طبق این آمار نسبت دانشجو به استاد ۱۰۴ به یک است. در حالی که در سال ۱۳۵۷ که تعداد دانشجویان ۱۷۵ هزار نفر بود. تعداد کادر هیئت علمی ۱۶۲۲۲ نفر بوده و بنابراین در سال ۱۳۵۷ نسبت تعداد دانشجویان به استان ۱۰/۸ دانشجو به ازای یک استاد بوده که در مقایسه با فرم جهانی که بین ۷ تا ۱۱ تغییر می کند وضع مطلوبی بوده است در حالی که اکنون این نسبت ده بار پایین آمده و معلوم است که بر سر کیفیت آموزش عالی چه آمده و چه خواهد آمد. بسیاری از فارغ التحصیلان که جهت ادامه تحصیلات به خارج از کشور می روند، در خارج می مانند و از بازگشت به ایران خودداری می کنند. نکته قابل توجه در این است که تعدادی از دانشجویان که اغلب از دانشجویان ممتاز نیز بودند براساس گزارش مقامات رژیم در بین سالهای ۶۳-۶۹ از کشور خارج شدند، نسل سوم مهاجران را تشکیل می دهند. این تعداد از دانشجویان که قسمت اعظم عمر خود را تحت حاکمیت رژیم خمینی گذرانده و کمتر مایل به بازگشت به ایران هستند.

در سال ۱۳۵۹ رژیم با اشراف به خلا، موجود در بخش صنعت، طی یک لایحه اساسنامه سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی را به تصویب رساند.

"اهداف و وظایف این سازمان در اساسنامه این گونه برشمرده شده است:

الف - کشف، جذب و پرورش استعدادها در زمینه های علمی و صنعتی

ب - تشویق و ترغیب مردم به مشارکت در شناساندن چهره های مبتکر و مخترع و مستعد.

ج - ایجاد هماهنگی بین مؤسسات تحقیقاتی و همکاری با مراکز صنعتی و اقتصادی

د - بررسی و اظهار نظر در طرحهای ارائه شده و ارجاع طرحها و پیشنهادات مفید به سازمانهای ذیربط و پیگیری در جهت پیاده کردن آنها.

ه - در صورت بودن امکانات در داخل سازمان برای پیاده کردن طرح و تولید آن، سازمان موظف است اقدام نماید."

از زمان تصویب این لایحه تاکنون هیچ بیلانی از کارکرد این سازمان اعلام نشده و این سازمان در ساختار ناهمگون نظام صنعتی در ایران تحت حاکمیت آخوندها حتی ارتباطات معمول بین نهادهای صنعتی و ارگانهای مرتبط با واحدهای تولیدی نیز برقرار نکرده است.

البته در این تردیدی نیست که تربیت و پرورش سرمایه های انسانی ظرف مناسب خود را طلب می کند و چنین ظرفی تا زمانی که رژیم آخوندی و استبداد مذهبی حاکم است فراهم نخواهد شد.

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian People's Fedaian Guerillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi
Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 136 22. Sept . 1996

NABARD B. P 20 91350 Grigny cede FRANCE ***	NABARD Post fach 102001 50460 Kohn GERMANY ***
HOVIAT P.O Box , 1722 Chantilly, VA 20153-1722 U.S.A ***	NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA ***
NABARD P.O . Box 56525 shermanoaks, CA 91413 U.S.A ***	NABARD P.O . Box 15 Toronto ont , M 5 S 2SG CANADA ***
NABARD P.O Box 10400 London N7 7HX ENGLAND	NABARD Post Fach 121 1061 Wien AUSTRIA

Fax: 1- 714 - 2629344 U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نبرد خلق

E. Mail : Nabard@wanadoo.fr

محکومیت رژیم ایران

صد و بیست و هشتمین کنفرانس سالانه کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا طی روزهای ۹ تا ۱۳ سپتامبر در شهر بلوک پول انگلستان برگزار شد. بنا به دعوت رسمی شورای کل کنگره اتحادیه های کارگری از سوی شورای ملی مقاومت ایران هیأتی به سرپرستی ابراهیم خداینده (از اعضای کمیسیون خارجی شورا) در این کنفرانس شرکت کرد. گزارش سالانه شورای کل کنگره اتحادیه های کارگری به نقض حقوق بشر در ایران و سرکوب زنان و تبعیض در مورد اقلیتهای قومی و مذهبی اشاره و تاکید کرده است. □

برخی از رویدادهای تاریخی

بقیه از صفحه ۱۵
۱۶ مهر ۱۳۳۲ - انجام اولین تظاهرات مردم بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۲ مهر ۱۳۳۲ - امضاء قراردادهای رژیم شاه با دولت آمریکا برای ورود هرچه بیشتر کالاهای آمریکایی به ایران و معافیت واردکنندگان از حقوق گمرکی
۲۷ مهر ۱۳۳۳ - تیرباران نخستین گروه از افسران ارتش وابسته به حزب توده
۱۹ مهر ۱۳۳۴ - پیوستن رژیم شاه به پیمان سنتو توسط دولت علاء
۱۸ مهر ۱۳۳۷ - اعتصاب ۵ روزه کارگران بندر شاهپور برای اضافه دستمزد
۱۴ مهر ۱۳۴۴ - آغاز محاکمه متهمین به ترور شاه در کاخ مرمر
۱۷ مهر ۱۳۵۰ - شهادت رفقا همایون کتیرایی، هوشنگ تره گل، ناصر کریمی، بهرام طاهرزاده و ناصر مدنی از گروه آرمان خلق
۱۹ مهر ۱۳۵۱ - شهادت مجاهد خلق مهدی محسن در درگیری با مزدوران ساواک شاه
۱۸ مهر ۱۳۵۲ - اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز
۱۰ مهر ۱۳۵۷ - خمینی از عراق به کویت و سپس به پاریس رفت
۲۶ مهر ۱۳۵۷ - شروع اعتصاب بزرگ کارگری و کارمندی در سراسر کشور و منجمله در پالایشگاه نفت شیراز، نساجی یزد، ذوب آهن اصفهان، گمرک جلفا، گمرک بندر شاهپور، معلمان سراسر ایران، پالایشگاه و تاسیسات نفت آبادان، گروه صنعتی بهشر، تاسیسات نفت اهواز و نفت خارک
۲۴ مهر ۱۳۵۷ - به آتش کشیده شدن مسجد جامع کرمان
۲۲ مهر ۱۳۵۸ - به خون کشیدن صیادان بندر انزلی توسط مزدوران رژیم خمینی
۱۵ مهر ۱۳۵۹ - درگذشت سهراب سپهری شاعر و هنرمند معاصر ایران
۵ مهر ۱۳۶۰ - تظاهرات قهرمانانه و مسلحانه میلیشیای مجاهد خلق با شعار مرگ بر خمینی
۷ مهر ۱۳۶۰ - اعلام برنامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی توسط آقای مسعود رجوی
۷ مهر ۱۳۶۰ - آخوند سیدعبدالکریم هاشمی نژاد، از طریق عملیات انتحاری مجاهد خلق هادی علویان کشته شد.
۲۳ مهر ۱۳۶۱ - آخوند اشرفی اصفهانی امام جمعه کرمانشاه توسط عملیات انتحاری مجاهدین خلق به هلاکت رسید.
۲۷ مهر ۱۳۶۲ - عملیات ماجراجویانه موسوم به والفجر ۴ در جبهه شمالی آغاز و با شکست مفتضحانه رژیم خمینی پایان یافت.
۱۸ مهر ۱۳۷۱ - انفجار قبر خمینی توسط هواداران مقاومت
۲۳ مهر ۱۳۷۱ - انفجار مرکز ستاد فرماندهی سپاه پاسداران واقع در یادگان قصر فیروزه در منطقه افسریه شرق تهران توسط نیروهای مقاومت

پاسخ به نامه ها

آقای حمید. ع از هلند در نامه خود خواستار کمک در مورد تقاضای پناهندگیشان شده اند. پرونده ایشان را در اختیار انجمن فرهنگی نبرد در هلند که به مسائل پناهندگان رسیدگی می کند، قرار دادیم.

آقای شهرام از ترکیه، ضمن نامه محبت آمیزی دست اندرکاران نبردخلق را مورد لطف قرار داده اند. انتقادات و پیشنهادات شما در شماره آینده نشریه به چاپ خواهد رسید. ۵۰ دلار کمک مالی شما به سازمان رسید.

آقای خسرو. ج از نروژ مطلبی در باره انتخابات ریاست جمهوری در روسیه برای نبردخلق ارسال نموده اند. ضمن تشکر، به دلیل این که از این جریان مدت زیادی گذشته است، از درج آن خودداری کردیم. به امید همکاری بیشتر آقای خسرو با نبردخلق.

خانم ناهید. ز از ارج زاده ار هلند، با ارسال شعری با عنوان "برای ایران" نبردخلق را مورد لطف قرار داده اند. ضمن تشکر بابت این همکاری، در فرصتی مناسب، از شعر این دوست گرامی استفاده خواهیم کرد. ۱۰۰ دلار کمک مالی شما رسید.

انجمن فرهنگی نبرد در هلند، - ضمن تشکر به اطلاعات می رسانیم که ۲۳۵ گلدن بابت کمک مالی و هزینه نبرد خلق دریافت شد.

خارجی:

۱۹ اکتبر ۱۸۱۲ - عقب نشینی همراه با شکست سپاه ناپلئون از روسیه. در جریان این عقب نشینی که از مسکو به سمت پاریس صورت گرفت بیش از ۳۳۰ هزار از ۳۵۰ هزار نفر نیروهای سپاه ناپلئون به اشکال مختلف کشته شدند.
۱۴ اکتبر ۱۸۱۶ - تولد اوژن پواتیه کارگر فرانسوی و سراینده سرود انترناسیونال
۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ - تشکیل اولین بین الملل کمونیستی به ابتکار کارل مارکس
۱ اکتبر ۱۹۴۹ - پیروزی انقلاب دموکراتیک چین
۳ اکتبر ۱۹۵۴ - اعلام موجودیت "فدراسیون سندیکایی جهان"
۴ اکتبر ۱۹۵۷ - پرتاب نخستین ماهواره جهان (اسپوتنیک) توسط اتحاد شوروی سابق
۱ اکتبر ۱۹۵۶ - بنیانگذاری حزب کمونیست کوبا
۳۰ سپتامبر ۱۹۶۵ - کودتای ارتجاعی و خونین ژنرال سوارتو علیه دولت ملی سوکارنو و قتل عام کمونیستهای اندونزی
۹ اکتبر ۱۹۸۶ - شهادت کمونیست برجسته آمریکایی لاتین، رفیق ارنستوچه گوارا
۲۹ سپتامبر ۱۹۷۰ - شهادت رفیق میگل انریگز، عضو رهبری جنبش میر در شیلی
۲۹ سپتامبر ۱۹۷۰ - درگذشت جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر
۲۳ سپتامبر ۱۹۷۲ - درگذشت پاپولونودا شاعر مبارز و آزادیخواه خلق شیلی
۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ - استقلال گینه بیسائو
۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ - تاسیس جبهه فزاینده سمارتی در السالوادور
۱۸ اکتبر ۱۹۸۵ - اعدام بنجامین مالویز، شاعر انقلابی سیاهپوست، عضو کنگره ملی آفریقا و عضو رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی، به وسیله رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی
۱۹ اکتبر ۱۹۸۶ - ساموراشل رئیس جمهور موزامبیک و رهبر جنبش استقلال طلبانه مردم موزامبیک در یک سانحه هوایی مشکوک به قتل رسید. □

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مدیر مسئول: زینت میرهاشمی
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبردخلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE

فرم اشتراک نبرد خلق

Name

Address

بهای اشتراک سالانه نبردخلق

روپا : ۷۵ فرانک فرانسه
آمریکا و کانادا : ۱۸ دلار آمریکا
تک شماره : ۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE
کد گیشه : 03760
شماره حساب : 00050097851
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

دیدار با مسئول امور خارجی حزب احیاء کمونیستی

روز ۱۱ سپتامبر امسال، رفیق مهرداد قادری در چارچوب روابط دوجانبه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با احزاب چپ سوسیالیستی، با آقای رامون مانتوانی مسئول امور خارجی حزب احیاء کمونیستی و عضو کمیسیون خارجی پارلمان ایتالیا دیدار و گفتگو نمود. در ابتدا نماینده سازمان انتخاب آقای مانتوانی به سمت مسئول امور خارجی حزب احیاء کمونیستی را از طرف سخنگوی سازمان تبریک گفت. در ادامه طرفین پیرامون رویدادهای اخیر خاورمیانه، به خصوص اوضاع ایران به بحث و گفتگو پرداختند. در بررسی سیاست تحریم دولت آمریکا در قبال رژیم جمهوری اسلامی و تصویب طرح تحریمهای ثانویه (طرح داماتو) در مجلس آمریکا، نماینده سازمان با صراحت تاکید نمود که ما ضمن تائید تحریم تسلیحاتی و نفتی رژیم ایران با هر گونه دخالت نظامی نیروهای خارجی در ایران به شدت مخالفیم. نماینده سازمان تاکید نمود که اگر حمایت کشورهای خارجی از رژیم ایران قطع شود، مردم ایران و مقاومت ملی و نیروهای تشکیل دهنده آن قادرند صلح، دموکراسی و آزادی را به ایران بازگردانند. در ادامه آقای مانتوانی ضمن اصولی دانستن این مواضع، و ضمن تاکید بر مواضع مشترک حزب احیاء کمونیستی و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خواهان هرچه گسترده تر شدن این روابط شد. وی از طرف فروم چپ اروپا که در برگزیده احزاب چپ سوسیالیستی و سبزه می باشد از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای برقراری رابطه نزدیک با فروم چپ دعوت به عمل آورد. در پایان این دیدار دو ساعته نماینده سازمان ضمن انتقاد به سیاست گفتگوی انتقادی اتحادیه اروپا، خواستار حمایت همه جانبه احزاب چپ و سوسیالیست از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و ائتلاف سیاسی شورای ملی مقاومت ایران شد.

بیکاری در ایران

علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر که نماینده مجلس شورای اسلامی از تهران نیز هست، آمار ارائه شده از سوی حکومت را در مورد شمار بیکاران کشور نادرست دانست و گفت قطعاً تعداد بیکاران بیش از یک میلیون نفر است. محبوب هفته گذشته خود گفته بود شمار بیکاران دو میلیون نفر است و افزوده بود اگر این روند ادامه یابد، در پنج سال آینده هفت میلیون نفر به شمار بیکاران اضافه خواهد شد. به گفته وی در آمار رسمی شمار جویندگان کار تنها حدود ۲۳۰ هزار نفر قید شده است. وی در تازه ترین سخنان خود که روز گذشته در روزنامه های تهران انتشار یافت، با اشاره به وضعیت نابسامان اقتصادی خانواده های کارگران گفت: مالیاتی که از اضافه کاری کارگران کسر می شود باید کاهش یابد. حکومت اسلامی که در اعمال سیستم مالیاتی در مورد صاحبان شغل آزاد تاکام مانده، از کارگران و کارمندان که جزء طبقه فقیر محسوب می شود، مالیات می گیرد.

رادیو اسرائیل ۲۹/ شهریور/ ۷۵

رفتار ترکیه با کردها محکوم شد

آسوشیتدپرس ۲۶/ شهریور/ ۷۵: "دادگاه حقوق بشر اروپا برای اولین بار ترکیه را در ارتباط با رفتارهای یا کردهای ترکیه محکوم کرد. این دادگاه که در استراسبورگ قرار دارد اعلام کرد ترکیه به علت تخریب روستای کلنجی واقع در جنوب شرقی کشور در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ مرتکب نقض منشور حقوق بشر اروپا شده است."

کنگره بین الملل سوسیالیست

رهبران سوسیالیست سراسر جهان بین ۹ تا ۱۱ سپتامبر به منظور شرکت در بیستمین کنگره بین الملل سوسیالیست در سازمان ملل در نیویورک گرد هم آمدند. خبرگزاری رویتر در روز ۱۷ شهریور گفت که: "بیش از ۱۲۰ حزب، سازمان و انجمن در این کنگره تلاش خواهند کرد راه حل های سوسیالیستی برای جهانی شدن اقتصاد، مشکل حفاظت از صلح و ضرورت مدرنیزه کردن بین الملل سوسیالیست، پیدا نمایند. پیر موروا، دبیرکل بین الملل سوسیالیست و نخست وزیر سابق فرانسه به خبرگزاری فرانسه گفت: "بین الملل سوسیالیست اولین سازمان سیاسی جهان است و تنها سازمانی است که در تمامی قاره ها حضور فعال دارد و توسعه بین الملل سوسیالیست نشان می دهد که چقدر سوسیالیسم هم چنان یک ایده نوینی باقی مانده است."

در برابر تندر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند



شهدای فدایی مهرماه

رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمدعی سالمی - سید نوزادی - حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلال نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سمعی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - ژیلای سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - زهرا بیدشهری - مصطفی رسولی - مهرنوش ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی - زاهد سجادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بریری - علیرضا صفری - فریبا شفیمی - ابراهیم شریفی - علی حسن پور - محمد کم نزانی - غلامحسین ندادنژاد - پرویز عندیلبیان - مهدی خانزاده - خیرالله حسن وند - عبدالله یزدانی - علی محمدنژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شمسوار شفیمی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن سمیت - حسن جان لنگرودی - کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی مهرماه

داخلی:

۲۸ مهر ۱۲۴۸ - تولد ستارخان، سردار ملی جنبش مشروطیت ایران
۲۴ مهر ۱۲۸۷ - تشکیل نخستین گروه سوسیال دموکرات در تبریز
۹ مهر ۱۳۰۰ - شهادت حیدر خان عمواوغلی از رهبران حزب کمونیست ایران
۱۱ مهر ۱۳۰۰ - شهادت کلنل محمدتقی خان پسیان
۲۴ مهر ۱۳۱۸ - شهادت فرخی یزدی، شاعر معاصر ایران
۱۰ مهر ۱۳۲۰ - اعلام موجودیت حزب توده ایران
۲۴ مهر ۱۳۲۰ - تصویب قانون عفو عمومی زندانیان سیاسی در مجلس دوازدهم
۱۳ مهر ۱۳۲۶ - امضای قراردادهای نظامی بین رژیم شاه و آمریکا برای افزایش نفوذ آمریکا در ارتش شاه
۲۲ مهر ۱۳۲۸ - تشکیل جبهه ملی توسط دکتر محمد مصدق
۲۴ مهر ۱۳۳۱ - قطع مناسبات سیاسی بین دولت ایران و انگلیس توسط دکتر مصدق
۲۹ مهر ۱۳۳۲ - رسیت یافتن موافقتنامه ساعد - دریفوس که به موجب آن ژاندارمری برای "تجدید سازمان" در اختیار افسران آمریکایی قرار گرفت.
بقیه در صفحه ۱۵

آمریکا - لوس آنجلس

سخنرانی . پرسش و پاسخ به دعوت

انجمن مطالعات خاورمیانه دانشگاه UCLA

سخنرانی مهدی سامع در باره

بحران در ایران و راه حل ما

شنبه ۵ اکتبر ۱۹۹۶ - ساعت ۷ بعد از ظهر

دانشگاه UCLA سالن داد شماره ۱۲۱

تلفن اطلاعات ۶۵۷۰۶۰۳ - ۳۱۰

ورود برای همگان آزاد است

تورنتو - کانادا

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند

سخنرانی و پرسش و پاسخ

جنبش پیشتاز فدایی

در آستانه قرن بیست و یکم

شنبه ۲۶ اکتبر - ساعت ۶ بعد از ظهر

UNIVERSITY OF TORONTO

MECHICAL SCIENCES BUILDING

KING'S COLLEGE CIRCLE 1

ونکوور - کانادا

یکت شنبه ۲۰ اکتبر - ساعت ۶ بعد از ظهر

PRESENTATION HALL

333 CHESTER FIELD

AVE NORTH VANCOVER